



وجه تمایز بخش اموال فکری از دیگر اموال

پدیدآورنده (ها) : فرخی، زهره؛ گودرزی، شهره

حقوق :: نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری :: پاییز ۱۳۹۸ - شماره ۴۱ (A)

صفحات : از ۷۹ تا ۱۱۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1521096>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- مسئولیت کیفری و مدنی پزشک
- مروری بر ادغام ها
- مطالعه تطبیقی قرارداد داور: رضایی یا تشریفاتی
- نحوه تضمین بازپرداخت اصل و سود تسهیلات مالی طرح های عمرانی مشخص شد
- بطلان شرط ضمان در قرارداد مضاربه بانکی در بانکداری اسلامی
- وضعیت شرط ضمان سرمایه در حقوق اسلام
- بررسی فرآیند تحصیل ملکیت اموال فکری
- تاثیر اخذ برائت در رفع مسوولیت کیفری از پزشک با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
- بررسی تطبیقی نظریه نمایندگی ظاهری
- بررسی تطبیقی حقوقی - اقتصادی نظریه نمایندگی ظاهری
- نقد مبانی فقهی- حقوقی لزوم اخذ برائت از بیمار برای سلب مسئولیت از پزشک
- بازخوانی تأثیر تعدی و تفریط در امانت مطالعه تطبیقی در فقه و قانون مدنی

عناوین مشابه

- خوانشی دیگر از یک ترکیب در شاهنامه؛ بخش دوم
- وجوه تمایز فرهنگ کار در ایران و خارج از ایران در نگاه شاغلین ایرانی خارج از کشور
- جشن صادرات با کنایه‌های ماندگار و انتقادات صریح برگزار شد؛ فرصت‌کشی و دیگر هیچ؛ بخش خصوصی از دولتمردان و دولتمردان از همدیگر انتقاد کردند
- برخی از وجوه تمایز متون عرفانی نسبت به آثار غیرعرفانی (با تأکید بر امهات آثار عرفانی قرون ۶- ۹)
- بخش چهارم: زبان شناسی رایانه ای و فرهنگ نگاری - یک چارچوب استنباط مفهومی برای تفسیر متن بر مبنای گذار یا جستار از یک مفهوم به مفاهیم دیگر
- معانی مجازی در قرآن مجید/بخش ششم: تضمین و اشراب گونه ای دیگر از مجاز لفظی
- از پژوهش تا هواداری سیاسی؛ وجه تمایز گروه های فکری - گروه های فشار در سیاست آمریکا
- وجوه تمایز هرمنوتیکی شطحیات عرفانی از متشابهات قرآنی
- داستایفسکی و اعترافات زندان (بخش هایی از توضیح نامه‌ی فیودور داستایفسکی درباره‌ی اتهامات پرونده‌ی خود و دیگر اعضای محفل پتراشفسکی)
- وجوه تمایز حماسه‌ ملّی از منظومه‌ طبیعی در ادبیات فارسی



وجوه تمایز بخش اموال فکری از دیگر اموال

زهرة فرخی^۱
شهره گودرزى^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۲/۲۳

چکیده

با گسترش و ارتقاء روز افزون روابط اجتماعی در جهان کنونی، نقش عمده‌ی خلاقیت‌ها و نوآوری‌های بشری در پیشرفت و بهبود کیفیت زندگی جوامع نیز بیش از پیش روشن گردیده است اما علی‌رغم اهمیت شایان پدیده‌های حاصل از این خلاقیت‌ها و نقش کلانی که در سطح گسترده‌ای از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی از جهان ایفا کرده و می‌کنند، حمایت‌های قانونی لازم و کافی در سطح داخلی و بین‌المللی از این پدیده‌ها و حقوق مرتبط با آنها به عمل نیامده است. یکی از علل عمده‌ی عدم این حمایت‌های قانونی ضروری از اموال فکری، عدم شناخت صحیح ویژگی‌ها و عناصر این دسته از اموال و تشخیص و تفکیک آنها از سایر اموال بوده که منجر به عدم شناسایی حقوق و حمایت‌های متناسب با این گونه اموال و عدم وضع قواعد حقوقی کارآمد و کافی در خصوص آنها گردیده است. از این رو در مقاله‌ی حاضر کوشش شده است تا مفهوم اموال فکری و ارکان و وجوه تمایز بخش آنها از سایر اموال تعیین و تبیین شده و ابهام‌های موجود در خصوص مفهوم، ماهیت، ابعاد و ارکان اموال فکری رفع گردیده تا با شناخت بهتری از این دسته از اموال، بتوان قواعد مناسبی در راستای حمایت از اموال فکری وضع نمود و گام مؤثری در جهت برقراری عدالت برداشت.

کلید واژه‌ها

مال فکری، خلاقیت، انسجام، محدودیت، حقوق معنوی.

^۱ دکتری تخصصی حقوق مالکیت فکری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، (نویسنده مسئول):

Farokhi.zohreh@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز. shohrehgoodarzi@gmail.com

مقدمه:

اموال فکری از دوره‌های آغازین زندگی بشر تا کنون در قالب‌ها و مفاهیم مختلف مورد رغبت و بهره‌مندی اشخاص بوده‌اند و شاید بتوان گفت که در میان انواع اموال عمده ترین نقش را در بهبود و ارتقای زندگی جوامع داشته‌اند؛ اما علی‌رغم اهمیت و نقش بسیار زیاد آنها در پیشرفت کشورها و فواید گسترده‌ای که انواع اموال فکری امروزه در تمام ابعاد زندگی اشخاص دارند و نقش عمده‌ی آنها در ایجاد و به‌کارگیری سایر اموال، حمایت‌های قانونی لازم در خصوص این اموال و امتیازهای مربوط به آنها به عمل نیامده و در برخی موارد حتی ماهیت و خصایص و طبیعت ویژه این اموال هم از سایر اموال شناخته نشده و تفکیک نگشته است. به‌همین دلیل برای وضع بسیاری از حقوق متناسب با اموال فکری نیز مشکلات زیادی به وجود آمده است که منجر به اختلال و لطمه فراوانی به دارندگان حقیقی این اموال و عدم برقراری عدالت می‌شود. بر همین اساس در تحقیق حاضر کوشش می‌شود تا اموال فکری از لحاظ ماهیت و مفهوم و ابعاد اساسی خود تبیین گردیده و عوامل و عناصر تمیز و تفکیک آنها از سایر اموال مشخص شوند و بر این مبنا گامی در جهت تحقق هدف مذکور و برقراری عدالت برداشته شود.

۱- مفهوم و ماهیت اموال فکری:

در قوانین وضع شده در ایران به تعریف مال فکری اشاره‌ای نشده است و در خصوص شمول این دسته از اموال در انواع اموال که در قواعد حقوقی دیگر بیان شده‌اند ابهامات زیادی وجود دارد. همچنین در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی که ایران در زمینه مالکیت‌های فکری به آنها پیوسته است از جمله کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی، کنوانسیون پاریس در زمینه‌ی مالکیت صنعتی، معاهده‌ی مادرید، موافقت‌نامه‌ی تریپس، معاهده‌ی برن و... که قواعد و ضوابطی را در خصوص انواع اموال فکری و گسترش حمایت از این اموال تدوین نموده‌اند نیز اگرچه به مصادیق اموال فکری و انواع حقوق مرتبط با آنها اشاره گردیده است اما در این توافق‌نامه‌ها نیز تعریفی از اموال فکری ارائه نشده است که بتوان با توجه به آن ابهام‌های موجود در خصوص این اموال را رفع نمود.^۱

^۱ کنوانسیون پاریس مصوب سال ۱۸۸۳ میلادی و تمامی اصلاحات آن تا سال ۱۹۷۹ میلادی، کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی مصوب سال ۱۹۶۷ میلادی و اصلاحات مربوط به آن مصوب سال ۱۹۷۹ میلادی، Adriana Brigante, Deorsola *, *, Marcia Cristiane Martins Ribeiro Leala, Milene Dantas Cavalcante a, Ingrid Jensen Schmidt a, Edimilson Junqueira Braga a,b, 2017, p3,4,7,10

اغلب حقوق دانان در تعریف اموال فکری چنین گفته‌اند که حقوق معنوی و فکری از جمله: حق تألیف و حق اختراع حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را میدهد. این حقوق نه در حقوق عینی جای می‌گیرند و نه در حقوق دینی و اموال نو ظهوری هستند که دارای ارزش بوده و به دلیل تکیه‌ی آنها بر تراوشات ذهنی انسان حقوق معنوی نامیده می‌شوند که این حقوق خود دارای ارزش و مالیت می‌باشند.^۱

به نظر می‌رسد که تعریف مذکور معنای منسجم و روشنی از مال فکری را تبیین نکرده و دارای چندین ایراد می‌باشد. در خصوص ایرادهای وارده به این تعریف می‌توان چنین گفت:

اولاً در تعریف ارائه شده به جای توجه به چیستی خود اموال فکری به بیان چیستی حقوق ناشی از آنها پرداخته شده و در واقع یک مال فکری و حقوقی که از آن ناشی می‌شوند یکی پنداشته شده‌اند. همچنین تعریف مذکور در کنار حقوق عینی و حقوق دینی قائل به حقوق جدیدی شده است که به دلیل تکیه‌ی این حقوق نوظهور بر ابتکارات و تراوشات ذهنی انسان آنها را قسم سوم از حقوق مالی دانسته و حقوق معنوی و فکری نامگذاری می‌کند. ثانیاً به جای تبیین ارکان و عناصر وجودی یک مال فکری که بیان‌کننده‌ی چیستی خود آن مال هستند، از اثر ناشی از یک مال فکری و امتیاز دارنده‌ی آن مال در تعریف استفاده شده است و ایرادهای مزبور منجر به مبهم بودن چیستی اموال فکری و روشن نبودن تعریف ارائه شده گردیده‌اند.

قائل شدن به قسم سوم از حقوق مالی به نام حقوق معنوی و فکری از نظر حقوق‌دان‌هایی نشأت گرفته است که با توجه به برخی خصوصیات اموال مادی از جمله: محسوس بودن آنها و دائمی بودن مالکیت در این اموال حق مالی ناشی از مال فکری را مالکیت ندانسته‌اند و این حقوق را تنها امتیاز انحصاری بهره برداری می‌شمرند و در کنار حقوق عینی و حقوق دینی قائل به حقوق مجزایی به نام حقوق معنوی هستند که به اموال فکری تعلق می‌گیرند و مستقل از حق عینی و حق دینی هستند.

از نظر این حقوق‌دان‌ها حق عینی، حقی مالی است که به اشیاء مادی تعلق می‌گیرد و موضوع آنها مال محسوس و فیزیکی می‌باشد. حقوق دینی هم حقوقی هستند که شخص بر

^۱ اعظمی، رستم، ۱۳۸۸، صص ۳ و ۴، امیدی فرد، عبدالله، ۱۳۸۴، ص ۶، حنیفه اقبالی درخشان، محمد، ۱۳۸۵، ص ۷، داراب پور، مهرباب، ۱۳۹۱ صص ۹ و ۱۰، ۱۳ تا ۱۶، ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۸۴، صص ۱۱۱ و ۱۱۲، شکیبیا، منصور، ۱۳۸۹، ص ۵۲، صفایی، حسین، ۱۳۹۱ صص ۱۴۵ و ۱۴۶، ۲۵۴ و ۲۵۵، کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸، صص ۲۳ و ۲۴، کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، ص ۳۱۰، کریمی نیا، محمدمهدی، ۱۳۸۹، ص ۷، وکیل، امیرساعد، ۱۳۸۳، صص ۱۷ و ۱۸

شخص یا اشخاص دیگر دارد و حقوق معنوی اگرچه به حق عینی شباهت دارند؛ اما موضوع آنها شیء مادی نیست و لذا نمی‌توان آنها را مالکیت و حق عینی دانست. حقوق معنوی، اموال نوظهوری هستند که بر تراوش‌های فکری خلاق بشر تکیه دارند و خود دارای بها و مالیت می‌باشند.^۱

به نظر می‌رسد که به خلاف نظریه‌ی مطرح شده، حق عینی و حق دینی بر اساس نوع رابطه‌ی شخص با شیء اعم از شیء مادی و غیرمادی به وجود آمده‌اند، این رابطه از دو حالت خارج نمی‌باشد. رابطه‌ی شخص با شیء، یا به طور مستقیم (رابطه با عین و اصل یک چیز) می‌باشد و یا به طور غیر مستقیم که آن را دین و تعهد می‌نامند. بنابر این حق مالی که به طور مستقیم با مال فکری برقرار می‌شود و از خصوصیات حق عینی از جمله: قابلیت تعقیب و قابلیت استناد در برابر عموم مردم و ... برخوردار است در زمره‌ی حقوق عینی قرار دارد.^۲

همچنین ممکن است شخص در رابطه با یک مال فکری حق دینی نسبت به دیگری داشته باشد. از این رو نمی‌توان تنها به علت منشأ یک حق (ابتکار انسان که عامل ایجاد یک مال فکری می‌باشد) و غیر مادی بودن موضوع حق ایجاد شده آن حق را از دایره‌ی شمول حقوق عینی و دینی خارج نمود و متعلق به نوع جدیدی از حق به نام حق معنوی و فکری دانست. بنابر این حقوق ناشی از مال فکری نیز نمی‌توانند قسم جدیدی از حق را تشکیل داده، اموالی مجزا باشند و از قلمرو عمومی حقوق مالی خارج شوند. از طرف دیگر همان گونه که بیان شد، یکی دانستن مال فکری و حقوق ناشی از آن به نظر صحیح نمی‌باشد چرا که حق، در لغت به معنای «صحت دلالت بر چیزی، امر ثابت و نقیض باطل»^۳ «ثابت شدن، غلبه کردن به حق، راست کردن سخن و ... است»^۴ و در اصطلاح حقوقی، علمای حقوق، کلمه‌ی حق را به معنای امتیاز، سلطه، توانایی، قدرت و غیره تعبیر کرده‌اند^۵ و «حقوق مالی را امتیاز و سلطه‌ای می‌دانند

۱ امامی، اسد الله، ۱۳۹۰، صص ۴۳ تا ۴۵، امید فرد، همان، ص ۶، حنیفه اقبالی درخشان، همان، ص ۱۳، داراب پور، همان، صص ۹ و ۱۰، ۱۳ تا ۱۶، شکبیا، همان، صص ۵۲-۵۹-۱۰۱-۱۰۴، صفایی، همان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲، کاتوزیان، ۱۳۸۸، صص ۱۴ و ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۳ و ۲۴، نوروزی، علیرضا، ۱۳۸۱، ص ۴۲

۲ بروجردی عبیده، محمد، ۱۳۲۹، صص ۷ و ۸، تقی زاده، ابراهیم، هاشمی، احمدعلی، ۱۳۹۳، صص ۴۲، ۴۵ تا ۴۷، حیاتی، علی عباس، ۱۳۸۹، صص ۳۹ تا ۴۲، رنجبر صحرایی، مسعودرضا، ۱۳۸۸، ص ۸، کریمی نیا، همان، ص ۶، محمودی، اصغر، ۱۳۹۱، ص ۱۲، نعمت‌اللهی، اسماعیل، ۱۳۸۹، صص ۱، ۵ و ۶

۳ حکمت نیا، محمود، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴

۴ لغت نامه ی دهخدا: به نقل از کریمی نیا، همان، ص ۲، فرهنگ معین، www.vajehyab.com

۵ امامی، حسن، ۱۳۶۶، ص ۳۱، حکمت نیا، همان صص ۱۲۴ و ۱۲۵، حیاتی، همان، ص ۳۵، کریمی نیا، همان، صص ۳ و ۴، محمودی، همان، صص ۲ تا ۴

که جامعه برای تعمین منافع مادی (مالی) و اقتصادی اشخاص، به آنها می‌دهد.^۱ از این رو آنچه که از معنای لغوی و اصطلاحی کلمه‌ی حق بر می‌آید بیانگر این است که لزوماً باید موضوعی وجود داشته باشد تا دارنده‌ی حق بتواند امتیاز و توانایی خود را نسبت به آن موضوع اعمال کند^۲ و در واقع، با وجود یک موضوع است که سلطه و امتیاز (حق) معنا پیدا می‌کند و تحقق می‌یابد که البته، حقوق ایجاد شده اگرچه وجودی وابسته به موضوع خود دارند؛ اما ماهیت و شرایط وجودی آنها با ماهیت و شرایط موضوعی که نسبت به آن تحقق می‌یابند کاملاً متفاوت و جدا از هم می‌باشد و این امر آثار مهم و متفاوتی را نیز در بر دارد.

اگرچه هر چیز ارزشمندی که نفع و اهمیت داشته و مورد میل و رغبت شخص یا اشخاصی واقع گردد، می‌تواند موضوع حق برای اشخاص قرار گیرد خواه محسوس یا غیر محسوس باشد؛ اما ماهیت یک حق با ماهیت موضوع آن هرچند آن موضوع اعتباری باشد متفاوت است؛ به گونه‌ای که استعمال واژه‌ی اعتباری برای حقوق مالی بدین جهت است که جامعه آنها را به وجود آورده (اعتبار کرده) است. لذا ایجاد و زوال آن و همچنین چگونگی ایجاد و زوال، مدت و شرایط اعتبار این حقوق در اختیار جامعه می‌باشد؛^۳ در حالی که نه وجود یک مال فکری به خواست جامعه بستگی دارد و نه چگونگی و شرایط وجودی و اعتبار وجودی آن. چنان که به طور مثال، مال فکری با توجه به ماهیت و وجود ویژه‌ی خود ممکن است هم زمان در کشور الف و کشور ب استعمال شود؛ در حالی که در کشور الف، حقوق دارنده‌ی آن به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قواعد حقوقی آن کشور قرار گیرد؛ اما در همین حال در کشور ب، همان مال فکری، مورد استعمال و بهره برداری قرار گیرد، در حالی که قواعد حقوقی کشور ب، آن مال را مورد حمایت قرار نداده باشند. در چنین وضعیتی اگرچه در کشور ب برای مالک مال فکری حقی ایجاد نشده است؛ اما در وجود و مالیت آن مال هیچ تردیدی وجود ندارد.

به علاوه، وجود یک حق مالی همیشه وابسته به موضوع آن بوده و نمی‌توان وجود مستقلی برای این حقوق قائل شد. چنان که حق سرقتی و سهام شرکت‌های تجاری اگرچه دارای مالیت و ارزش و بها می‌باشند اما اعتبار و وجود آنها بدون وجود موضوعی که نسبت به آن

^۱ تقی زاده، هاشمی، همان، صص ۳۵ و ۳۶، جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰، حنیفه اقبالی درخشان، همان ص ۶، حیاتی، همان، صص ۳۶ و ۳۷، رنجبر، همان، ص ۸، کاتوزیان، ۱۳۸۸، صص ۱۱ تا ۱۳، کریمی نیا، همان، ص ۵
^۲ جعفرزاده، میرقاسم، ۱۳۸۹، صص ۸ و ۹، کریمی نیا، همان ص ۴
^۳ جعفرزاده، همان، ص ۱۷، جعفری لنگرودی، همان، صص ۴۰ تا ۴۲، حکمت نیا، ۱۳۸۶، صص ۱۱۳ تا ۱۱۶

اعمال می‌شوند امکان پذیر نمی‌باشد؛ به گونه‌ای که بدون وجود عین مستأجره وجود سرقفلی هم معنا پیدا نخواهد کرد و موقعیت مکانی و مرغوبیت موضوع سرقفلی عامل عمده‌ی اعتبار و مالیت آن می‌باشد.^۱ همچنین آنچه که منشأ ایجاد سهام شرکت تجاری و عامل اعتبار و میزان ارزش آن را تشکیل می‌دهد، خود شرکت، نحوه‌ی عملکرد، منافع، مزایا و میزان عرضه و تقاضای موجود در آن می‌باشد.^۲

بدین ترتیب اگر اموال فکری را در زمره‌ی حقوق مالی قرار دهیم باید چنین گفت که با از بین رفتن منشأ این حق که خلاقیت‌های ذهنی (وابسته به فکر و اندیشه) پدید آورنده هستند، حق (مال) فکری نیز از بین می‌رود و نمی‌توان وجود آن را به رسمیت شناخت. از طرفی به دلیل این که موضوع این حقوق از ذهن شخص معینی ناشی می‌شوند باید گفت که حق فکری ایجاد شده، محدود به مکان و شرایط مشخصی است که جامعه و قانون نسبت به شخص مورد نظر تعیین نموده و بهره‌مندی از آن نیز به تبعیت از عوامل ذهنی پدید آورنده محدود و منحصر به شخص یا اشخاص معین می‌باشد.

حال آنکه یک مال فکری، دارای وجود مستقل از پدید آورنده‌ی آن است و پس از ایجاد، ماهیت و موجودیتی جدا از ایجاد کننده‌ی خود پیدا می‌کند.^۳ به گونه‌ای که بقای وجود شخص پدید آورنده در مالیت مال فکری به وجود آمده تأثیری نداشته و حتی پس از مرگ وی نیز مال ایجاد شده می‌تواند مورد معامله و بهره‌برداری قرار گیرد و ارزش اقتصادی آن ملازمه‌ای با وجود پدید آورنده‌ی آن ندارد. از طرفی امکان بهره‌مندی و به‌کارگیری اموال فکری در چندین کشور مختلف و به طور هم‌زمان بدون این که پدید آورنده دخالتی در این بهره‌گیری و کاربرد داشته باشد یا حتی به وی تعلق گیرد نشان دهنده‌ی وجود مستقل این اموال و موضوعیت داشتن آنها به طور ذاتی می‌باشد که این امر نیز سبب تمایز و تمیز اموال فکری از حقوق مالی می‌گردد.

با توجه به این که وجود مستقل و قائم به ذات اموال فکری روشن گردید، امتیاز انحصاری استفاده از مال فکری برای پدید آورنده که در تعریف ارائه شده به آن اشاره گردیده است تنها یک حق است که از اموال فکری ناشی می‌شود و یکی از آثار این اموال می‌باشد که وجود و شرایط بقای آن به خواست جامعه و قانون بستگی داشته و جدا از خود مال فکری می‌باشد. لذا

^۱ بهرامی، زهرا، ۱۳۸۶، ص ۲۱، حسنی، حسن، ۱۳۸۵، صص ۴۵۳ و ۴۵۴، ۴۵۶، عرفانی، محمود، ۱۳۶۹، صص ۸۱ تا ۸۳، کاتوزیان، ۱۳۸۹، صص ۱۰ تا ۱۶، کشاورز، بهمن، ۱۳۸۲، صص ۲۷ و ۳۸

^۲ حسنی، حسن، همان، ص ۷۱، ستوده‌ی تهرانی، حسن، ۱۳۷۶، صص ۶۸ و ۶۹

^۳ حکمت نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۱

نمی‌توان این امتیاز را در تعریف خود مال فکری به کار برد چرا که بیان اثر یک ماهیت حقوقی ما را از شناخت چيستی ماهیت مورد نظر بی‌نیاز نمی‌کند و باید خود اموال فکری از آثاری که از آن ناشی می‌شوند به طور جداگانه تبیین و تعیین گردند.

حقوق دانان از منفعت به فایده‌ای تعبیر کرده‌اند که به تدریج و در امتداد زمان از مالی حاصل می‌گردد بدون این که از عین آن مال به طور محسوس کاسته شود؛^۱ اما به نظر می‌رسد که تعریف مزبور ایراد داشته باشد، زیرا نمی‌توان گفت که لزوماً تنها اموال دارای فایده و منفعت می‌باشند. لذا هر چیزی خواه دارای مالیت بوده یا مال نباشد ممکن است از منفعت و سودی برخوردار باشد که این فایده و مزیت را بتوان مورد استفاده، داد و ستد و بهره‌مندی قرار داد و برای آن مالیت و ارزش اقتصادی قائل شد بدون اینکه موضوع و منشأ منفعت حاصله دارای هیچ گونه مالیتی باشد.

از طرفی، «انسان با اینکه مال نیست و نمی‌توان برای او مالیت قائل شد»^۲ و او را مورد خرید و فروش قرار داد و بر او سلطه‌ی مالکانه پیدا کرد، هیچ کس تردیدی ندارد که افراد بشر دارای منفعت‌های گوناگون جسمی و ذهنی هستند. لذا بدون تأثیر منشأ منفعت (انسان) میتوان آن را مورد معامله قرار داد و نسبت به آن حقوقی چون حق مالکیت ایجاد نمود. بنابراین این تعریف مزبور کامل به نظر نمی‌رسد و شاید منفعت را بتوان اینگونه تعریف کرد که: منفعت، عبارت است از هر فایده و سودی که به تدریج و در امتداد زمان از شخص یا چیزی به دست می‌آید.

همان گونه که گفته شد، امکان دارد منفعت از یک چیز یا یک شخص حاصل شود و دارای مالیت گردد. از آنجا که منفعت انسان ممکن است ذهنی و یا جسمی و یدی باشد و از طرفی مال فکری نیز از ذهن و فکر بشر سرچشمه می‌گیرد، برخی حقوق دانان از این اموال به منفعت تعبیر کرده‌اند و آن‌ها را فعالیت فکری و فایده‌ی ذهنی انسان می‌دانند که باید احکام و آثار حقوقی حاکم بر منفعت بر آنها بار شود. از نظر ایشان انسان ممکن است دارای منفعت یدی و جسمی و منفعت فکری و ذهنی باشد... اموال فکری هم فعالیت‌های خلاقانه‌ی ذهنی انسان

^۱ امامی، حسن، همان، ص ۲۱، تقی زاده، هاشمی، همان، ص ۵۴، حیاتی، همان، ص ۵۹ و ۶۰، ۶۵ و ۶۶، داراب پور، همان، صص ۳۲ و ۳۳، رنجبر، همان، ص ۷، شکیب، همان، ص ۴۷، کاتوزیان، ۱۳۸۸، صص ۳۹ تا ۴۱، ۱۶۰، کاتوزیان، ۱۳۹۱، صص ۴۱ و ۴۲

^۲ کاتوزیان، ۱۳۹۱، صص ۳۱۱ و ۳۱۲

هستند و باید آنها را در زمره‌ی منفعت‌های فکری اشخاص دانست؛^۱ اما با توجه به این امر که منفعت مالی تدریج الحصول است و در امتداد زمان به دست می‌آید و مالیت آن رابطه‌ی مستقیم با استمرار زمانی دارد، از طرفی، وجود منفعت لزوماً به وجود موضوع آن وابسته بوده و با از بین رفتن موضوع نیز از بین می‌رود، مال فکری را نمی‌توان منفعت دانست.^۲

در واقع همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، مال فکری پس از موجود شدن دیگر به منشأ خود وابسته نیست و وجود و ماهیتی مستقل از آن دارد. همچنین ایجاد و ارزش اقتصادی مال فکری بسته به استمرار زمان نیست و مال فکری به معنای خاص پدیده‌ای منسجم است که انسجام آن سبب استقلال وجودی و اعتبار و ارزش آن به صورت یکجا شده است. به عبارتی، خلاقیت‌های انسان که در طول زمان به هم پیوسته و به صورت یکجا و منسجم پدیده‌ی کامل و مستقل ذهنی را ایجاد کرده‌اند مال فکری را تشکیل می‌دهند. لذا چنین مالی در دایره‌ی منفعت جای نمی‌گیرد. اگرچه، اگر عبارت مال فکری را در معنای عام آن در نظر بگیریم، منفعت نیز می‌تواند در مواردی در زمره‌ی اموال فکری قرار گیرد؛ به این ترتیب که عبارت مال فکری می‌تواند در معنای عام آن به مفهوم هر چیز مفید نشأت گرفته از فکر و ذهن بشر به طور مستقیم و غیر مستقیم باشد که دارای ارزش اقتصادی و قابل تملک و معامله است.

به‌طور مثال، فردی که در دانشگاه یا مدرسه تدریس می‌کند از نیروی فکری خود برای یادآوری و انتقال مطالب استفاده می‌کند یا مهندسی که نقشه‌های راه و ساختمان را به اجرا در می‌آورد از نیروی فکری خود برای استفاده از یک طرح و نقشه (که خود این طرح و نقشه اصولاً مال فکری است) استفاده می‌کند یا کسی که با ابزار پیشرفته‌ای از قبیل کامپیوتر و دستگاه‌های پیچیده‌ی صنعتی کار می‌کند و با استفاده از آنها کارهایی را انجام داده و وسایلی را تولید می‌نماید، همه‌ی این اشخاص از منفعت فکری خود استفاده می‌کنند و این منافع دارای بهای بوده، مورد رغبت اشخاص است و دارای مالیت می‌باشد که اگر دلیل ایجاد و سرچشمه‌ی وجودی آن یعنی فکر و ذهن انسان برای شمول این منافع در دسته‌ای از اموال (اعم از فکری و غیر فکری) در نظر گرفته شود، باید این منافع را هم مال فکری دانست. در این معنا منفعت فکری هم مال فکری محسوب می‌شود؛ اما مال فکری در معنای خاص تنها پدیده‌های خاص فکری با ویژگی‌های مخصوص خود (وجود مستقل، منسجم و غیرتدریجی) را شامل می‌شود که

^۱ امامی، اسد الله، همان، صص ۴۴ و ۴۵، تقی زاده، هاشمی، همان، صص ۱۹۹ تا ۲۰۱، جعفری لنگرودی، همان، صص ۱۱۹، حکمت نیا، ۱۳۸۸، صص ۱۳ و ۱۴، حکمت نیا، موحدی ساوجی، همان، صص ۲ و ۳، نوروزی، همان، صص ۴۲
^۲ تقی زاده، هاشمی، همان، صص ۵۴، سروی، همان، صص ۲، صفایی، همان، صص ۱۴۶، کاتوزیان، ۱۳۹۱، صص ۴۱ و ۴۲

در این تحقیق هم به مال فکری از منظر معنای خاص آن نگریسته شده است. لذا منفعت نمی‌تواند ماهیت اموال فکری را تشکیل دهد و این دو دسته از اموال ماهیت و وجودی متفاوت از هم دارند.

لازم به ذکر است که اجرای آثار فکری از جمله: نمایشنامه‌ها، فیلم نامه‌ها، قطعات موسیقایی و طرح‌های هنری و صنعتی که اغلب دارای خلاقیت نبوده و فاقد خصوصیات اموال فکری هستند مانند اجرای یک اثر فکری و یا بازی یک بازیگر در اجرای یک نمایشنامه که در آن خلاقیتی وجود نداشته و بازی و اجرا تنها، برای به ظهور رساندن نمایشنامه یا متن ادبی مورد نظر قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که بازیگر یا مجری دیالوگ‌های متن و نمایشنامه‌ی مورد نظر را حفظ نموده و آنها را بیان و اجرا می‌نماید، تنها بهره‌گیری از نیروی کار و فکر (منفعت) اشخاص در استفاده و انتفاع از منافع اموال فکری می‌باشد و ماهیت و خصوصیات آنها متفاوت از ماهیت و خصوصیات مال فکری است. لذا، نباید این منافع را با مال فکری یکی دانست و آنها را در دایره‌ی شمول اموال فکری قرارداد.^۱

بنا بر این با توجه به دلایلی که در جهت رد تعریف مذکور موجود می‌باشند به نظر می‌رسد که نمی‌توان این تعریف را پذیرفت. لذا کوشش می‌شود که در ادامه‌ی بحث برای تبیین چیستی اموال فکری تعریفی مناسب ارائه گردد که بتوان به شناخت بهتری از این اموال دست پیدا کرد.

علی‌رغم فقدان تعریفی مشخص از اموال فکری در کنوانسیون‌ها و قوانین بین‌المللی و داخلی، در برخی از قوانین از برخی از مصادیق این اموال تعاریفی به عمل آمده است که می‌تواند در ارائه‌ی تعریفی جامع و کلی از مال فکری مؤثر واقع گردد. لذا به چند مورد از آنها در زیر اشاره می‌شود.

بر اساس مواد ۲۰۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ اختراع، ابتکار و خلاقیتی جدید و نو بوده که از فکر انسان نشأت گرفته و منجر به ایجاد فرایند یا فرآورده‌ای می‌شود که مشکلی را در حرفه یا صنعتی حل می‌نماید. طبق مواد ۲۰ و ۲۱ این قانون نیز طرح‌های صنعتی، نوآوری‌هایی در ترکیب، رنگ یا شکل ظاهری و محتوایی فرآورده‌ها و محصولات صنعتی و صنایع دستی می‌باشند که منجر به تغییر ترکیب، شکل و رنگ فرآورده‌ها و محصولات قبلی یا ایجاد فرآورده و محصولی جدید می‌گردند. به موجب مواد ۲۰۱ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ هر خلاقیت و ابتکاری که از

^۱ نوروزی، همان، صص ۸۴ و ۸۵، ۹۰

اندیشه‌ی انسان به وجود آمده و پدیده‌ای فکری را در هر زمینه‌ی علمی، موسیقیایی، معماری، نقاشی، طراحی، مجسمه سازی، فرهنگی، فنی، نمایشی و... به وجود آورده باشد پدیده‌ی فکری محسوب شده و در زمره‌ی اموال فکری قرار می‌گیرد.

بر اساس مواد ۲،۳،۱۵ آیین نامه اجرایی قانون حمایت از نرم افزار مصوب سال ۱۳۸۳ مجموع ابتکارات و نوآوری‌هایی که دستور العمل‌ها، عملیات، اطلاعات و برنامه‌های رایانه‌ای و به طور کلی نرم‌افزارهای قبلی را از نظر محتوا و کاربرد به میزان معینی تغییر داده و نرم افزار، برنامه، عملیات، اطلاعات و دستور العمل‌های جدید و نویی را به وجود می‌آورند در زمره‌ی اموال فکری قرار می‌گیرند. مواد ۳ تا ۵ قانون ثبت ارقام گیاهی مصوب سال ۱۳۸۲ در خصوص تعریف رقم گیاهی جدید بیان کرده‌اند که ابتکار علمی ناشی از اندیشه‌ی افراد در صورتی که گیاهی با ژنتیک و خصوصیات جدیدی نسبت به ارقام گیاهی قبلی را ایجاد کرده یا در ژن یک رقم گیاهی و ترکیبات آن تغییراتی ایجاد کرده و گیاه جدیدی به وجود بیاورد جزء اموال فکری محسوب می‌شود. همچنین به موجب ماده ۲ آیین نامه‌ی ساخت و ورود دارو مصوب سال ۱۳۶۸ داروی اختصاصی، نتیجه‌ی ابتکار در اختلاط، ترکیب و ایجاد محصولی با کاربرد درمانی دانسته شده و از مصادیق اموال فکری به شمار می‌آید.

بنابر این با دقت در موارد و مصادیق مذکور و همچنین خصوصیات مشترک همه‌ی آن‌ها می‌توان دریافت که مال فکری از فکر و اندیشه‌ی یک یا چند فرد پدید آمده و ابراز گردیده است، این پدیده دارای انسجام و وجود مستقل بوده و از میزان معینی از ابتکار، نوآوری، تازگی و خلاقیت در وجود خود برخوردار می‌باشد که عناصر آن را تشکیل می‌دهند. خلاقیت ناشی از اندیشه برای اینکه به عنوان مال فکری تلقی گردد و یک پدیده فکری را تشکیل دهد باید به میزانی منسجم باشد که بتواند وجودی مستقل از انسان و فکر او پیدا کرده و یک پدیده با وجود مستقل را تشکیل دهد. پدیده‌ی ایجاد شده، برای موجود شناخته شدن توسط اشخاص لازم است که ابراز گردد تا بتوان به وجود و ارزش آن پی برد.^۱ این عوامل سبب می‌گردند که چنین

^۱ اسماعیلی، محسن، ۱۳۸۹، صص ۲۴ تا ۲۴، امامی، اسدالله، همان، صص ۲۷۴ تا ۲۷۸، امیری، حسین علی، ۱۳۸۸، صص ۴ تا ۴، پیلوار، رحیم، ۱۳۹۴، صص ۱۱، ۱۵ و ۱۶، ۲۹، تیموری، علی رضا، جلاتیان دهقانی، حسام و میرشمسی، محمد هادی، ۱۳۹۳، صص ۲ و ۳، ۱۰، ۱۳، ۲۲، حضرتی شاهین دژ، ۱۳۹۰، صص ۳ و ۳، حیاتی، همان، صص ۱۳۰ و ۱۳۱، ۱۳۵ و ۱۳۶، رنجبر، همان، ص ۹، سالاری راد، معصومه، صالحی، جواد، ۱۳۹۰، صص ۶ و ۷، ستوده ی تهرانی، ۱۳۸۴، صص ۱۶۳ و ۱۷۷، شکیبیا، همان، صص ۱۰۸ و ۱۰۹، ۱۱۱، قاجار قیونلو، سیامک، ۱۳۹۱، صص ۳۸۵ تا ۳۹۶، محمودی، همان، ص ۶، موحدی ساوجی، محمد، حکمت نیا، محمود، ۱۳۸۵، صص ۴ تا ۴، نوروزی، همان، صص ۱۹ و ۲۰، ۴۵، ۱۷۰ و ۱۷۱، ۲۰۲، Arvin S. Paranjpe, Travis G. Cook, Nicole D.W. Garrison, 2017, p3,4,7

پدیده‌ای مفید، دارای ارزش اقتصادی، مورد رغبت اشخاص و قابل تملک و سلطه شوند. بنابراین، تعریف منطقی که می‌توان از این اموال ارائه نمود عبارت از این است که مال فکری، پدیده‌ای ابتکاری، نو، منسجم و مستقل است که از فکر انسان نشأت گرفته و ابراز گردیده باشد. از نظر حقوق دانان عین، مالیت محسوس و قابل لمس که دارای وجود خارجی و مادی می‌باشد.^۱ عین خارجی شامل اعیان معین، عین در حکم معین و عین کلی فی‌الذمه می‌باشد که هر کدام از آنها زمانی که موجود شوند قابل درک با حواس ظاهری می‌باشند. عین معین، وجودی خارجی قابل اشاره و ملموس دارد. به طور مثال، یک کفش یا لباس محسوس بوده و می‌توان به آن اشاره نمود و ماهیت آن مادی است. عین در حکم معین، جزئی از یک عین خارجی متساوی الاجزاء می‌باشد. به عنوان مثال، یک کیلو از ده کیلو برنج درون یک کیسه جزئی از برنج مورد نظر می‌باشد که با تمام مقدار برنج درون کیسه یکسان و مساوی بوده و همه‌ی عین مورد نظر مادی و محسوس می‌باشند. عین کلی فی‌الذمه نیز عینی با اوصاف و میزان مشخص می‌باشد که در ذمه قرار می‌گیرد و هر زمان که مصداق آن معین گردد مصداق مورد نظر عینی مشخص و قابل لمس و مادی خواهد بود.^۲

چنانچه ملاحظه می‌شود در تمام اقسام عین خارجی ویژگی محسوس بودن وجود داشته و رکن اساسی آنها می‌باشد. از آنجا که اموال فکری اغلب در قالب عین ظهور پیدا می‌کنند ممکن است این گونه به ذهن متبادر شود که مال فکری همان عین است و ماهیت این دو یکی می‌باشد؛ اما در واقع مال فکری ماهیتی جدا از عین ناشی از خود دارد و متفاوت از آن می‌باشد؛ به گونه‌ای که عین حاصله تنها فایده، نتیجه و اثری از آثار و فواید مال فکری بوده و قالبی است که مال فکری به وسیله‌ی آن بیان و عرضه می‌گردد. لذا مال فکری را نمی‌توان با حاصل و قالب بروز آن یکی پنداشت، زیرا چنان که بیان شد مال فکری، غیر محسوس، بدون ابعاد فیزیکی و اعتباری می‌باشد. از طرفی، وجود و اعتبار مال فکری لزوماً به وجود عین بستگی ندارد و ممکن است این مال به وسیله‌ی دیگری غیر از عین ابراز گردد.^۳

^۱ امامی، حسن، همان، ص ۲۱، تقی زاده، هاشمی، همان، ص ۵۲، جعفری لنگرودی، همان، ص ۸۷، حیاتی، همان، ص ۵۹، داراب پور، همان، صص ۳۰ و ۳۱، رنجبر، همان، ص ۷، سروی، همان، ص ۲، شکیبی، همان، ص ۴۶، صفایی، همان، ص ۱۴۶، کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۳۷، کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۴۱

^۲ کاتوزیان، ۱۳۸۸، صص ۳۷ تا ۳۹

^۳ انصاری، علی، ذوالفقاری، سهیل، ۱۳۹۱، ص ۸، حبیبی، سعید، حسین زاده، مجید، ۱۳۹۳، ص ۴، حکمت نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۸ - حکمت نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۰، داراب پور، همان، ص ۹، صفایی، همان، صص ۲۵۸ و ۲۵۹، قاجار قیونلو، همان، صص ۳۸۱ و ۳۸۲، محمودی، همان، ص ۴

به طور مثال، ابداع و طرح خلاقانه‌ای که منجر به ایجاد یک اتومبیل مانند خودروی بنز می‌شود، متعلق به شخص یا اشخاص معینی می‌باشد. حال از ابداع مورد نظر هزاران خودرو با مشخصات یکسان به وجود آمده و به بازار عرضه می‌گردند که هر کدام از آنها توسط شخص یا اشخاص معینی خریداری شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. هر کدام از خودروهای مورد نظر مالک خاص و مستقلی دارد که متمایز و مستقل از مالک اختراع موجد خودروهای عرضه شده با نام بنز می‌باشد. در چنین حالتی مالک هر خودرو تنها در حدود حق خود نسبت به خودروی خریداری شده اختیار تصرف خواهد داشت. وی می‌تواند حقوق مالی مربوط به اتومبیل خود را به هر کسی که بخواهد به طور کلی یا جزئی واگذار نماید؛ اما نمی‌تواند از حقوق دارنده‌ی اختراعی که بر اساس آن اتومبیل مورد نظر به وجود آمده است بهره مند شود و یا مالک آن اختراع شناخته شود، زیرا ابداع موجد خودروی بنز مالی غیر ملموس و اعتباری بوده که در قالب خودروهای عرضه شده به بازار ظهور پیدا کرده است.

همچنین، ممکن است یک قطعه شعر که از مصادیق مال فکری است به همراه قطعه آهنگ ساخته شده‌ای که خود از خلاقیت شخص یا اشخاص در ترکیب نوت‌های موسیقی، ایجاد نواهایی تازه و به کارگیری سازهای مختلف برای ایجاد آهنگ مورد نظر تشکیل شده است و از مصادیق اموال فکری محسوب می‌شود، با صدای یک خواننده (که جزء منفعت وی محسوب می‌شود) در قالب یک فایل موزیک که ضبط شده و بر روی کاست‌هایی به بازار عرضه می‌شود اجرا و استفاده گردند. حال، فردی که کاست مورد نظر را خریداری کرده است نه می‌توان گفت مالک شعر مورد نظر و نه مالک آهنگ ساخته شده گردیده است؛ بلکه این فرد تنها به اندازه‌ی استفاده از فایل موزیک مورد نظر در قالب کاست خریداری شده گردیده و گویی دارنده‌ی اموال فکری مزبور با عرضه‌ی کاست‌های حاوی ترک موزیک مورد نظر به هر شخص خریدار کاست اذن گوش دادن به محتوای کاست خریداری شده را داده است.

به عبارتی، شخص خریدار کاست، عینی خارجی (کاست) را با محقق کردن عقد بیع خریده است. لذا، می‌تواند عین مورد نظر را به هر کسی که بخواهد منتقل نماید یا هر تصرف دیگری در خود آن عین بنماید؛ اما محتوای این عین در واقع منفعت موزیک مورد نظر (به میزان گوش دادن به آهنگ مورد نظر) می‌باشد و دارنده‌ی عین مزبور تنها می‌تواند از منفعت موجود در حدودی که قصد مالک اموال فکری مورد نظر می‌باشد استفاده نماید. در چنین موردی، اگر دارنده‌ی عین خارجی (کاست)، بیش از محدوده‌ی مالکیت محتوای آن (گوش دادن به موزیک موجود در کاست) در عین مورد نظر تصرف نماید، به حقوق شخص ثالث (مالک اموال فکری

مورد نظر) تجاوز نموده است و از این بابت مالکیت عین خارجی که حاصل بهره گیری از یک یا چند مال فکری است، با مالکیت خود این اموال متفاوت و متمایز می‌باشد. چنان که فایل موزیک مورد نظر که حاوی چند مصداق مال فکری است ممکن است در قالب چند صد کاست به بازار عرضه شود و هر کاست توسط شخص معینی خریداری شود و هر کاست مالک خاص خود را داشته باشد، در صورتی که مالک شعر و قطعه موسیقی به کار گرفته شده در موزیک محتوای کاست‌ها کاملاً مستقل از مالکین کاست‌های مورد نظر می‌باشد و مالک اموال فکری مورد نظر حقوق ویژه‌ی این اموال را خواهد داشت. لذا ماهیت مال فکری را نمی‌توان با عین ناشی از آن یکی دانست و از این بابت آثار و احکام حقوقی ناظر به عین را بر مال فکری نیز بار نمود.

البته، باید به این نکته‌ی مهم توجه گردد که کلمه‌ی عین دارای مشترک لفظی بوده و یک معنای عام و یک معنای خاص دارد. عین در معنای خاص آن تنها اشیاء خارجی و مادی محسوس را در بر می‌گیرد؛ اما در معنای عام آن به اصل و خود یک چیز اعم از محسوس و غیر محسوس اطلاق می‌گردد. لذا با توجه به معنای عام عین اصل هر چیزی می‌تواند عین باشد و در شمول عین قرار گیرد. بر همین اساس مال فکری اگرچه محسوس و مادی نیست، اما اصل و خود آن را که به صورت مستقل مالیت و وجود دارد می‌توان عین دانست. بنابر این اگرچه عین در معنای خاص آن متفاوت از مال فکری بوده و ماهیتی مجزا دارد، در معنای عام خود شامل اموال فکری و اصل هر چیزی که موضوعیت داشته و ذاتا دارای مالیت باشد نیز می‌گردد.^۱

۲- امتیازهای معنوی:

چنان که قبلاً هم بیان شد، حقوقی که از اموال فکری ناشی می‌شوند از لحاظ ماهیت و وجود با خود اموال فکری متفاوت می‌باشند. به‌طور کلی حقوق ناشی از اموال فکری، مجموع حقوق و قواعدی هستند که برای حمایت از دارنده‌ی آفرینش‌های فکری به آنها تعلق می‌گیرند.^۲

^۱ انصاری، ذوالفقاری، همان، ص ۸. پیلوار، همان، صص ۲۶ تا ۲۸، کریمی، عباس، معین اسلام، محمد، ۱۳۸۷، صص ۵ و ۶، کریمی، عباس، موسوی، اسما، ۱۳۹۰، ص ۱۰
^۲ پیلوار، همان، ص ۱۱، جعفرزاده، همان، ص ۱۴، حکمت نیا، ۱۳۸۸، ص ۲، نوروزی، همان، صص ۱۹ و ۲۰، ۴۳.

اگر شاخه‌ی حقوق مالکیت فکری به عنوان شاخه‌ای از حقوق در کنار حقوق مدنی، حقوق دریایی، حقوق اداری، حقوق کیفری و ... در نظر گرفته شود و از این جنبه بنا باشد تعریفی از این شاخه از علم حقوق به عمل آید می‌توان گفت حقوق مالکیت فکری مجموع قواعد حاکم و ناظر بر اموال فکری می‌باشد.^۱

البته چنانچه عبارت حقوق در معنای امتیازاتی که به اموال فکری تعلق می‌گیرند بررسی شوند، باید به تحلیل این امتیازات و توانایی‌ها که از مال فکری ناشی می‌شوند، مقایسه‌ی آنها با امتیازات ناشی از سایر اموال و تمیز وجوه اشتراک و افتراق این حقوق با حقوق مربوط به اموال دیگر پرداخت.

امتیازهای ناشی از یک مال، از میزان و درجه‌های سلطه‌ی گوناگونی برخوردارند و ممکن است هر کدام از آنها به شخص یا اشخاص مختلف و متعددی تعلق گیرند و همانند سایر اموال ممکن است از مال فکری هم حقوق مختلفی ناشی شود که هر کدام دارای درجه و محدوده‌ی خاص خود باشند.

البته در میان حقوق مالی که به هر مال تعلق می‌گیرند کامل‌ترین درجه‌ی حق عینی، هم در اموال مادی و هم در اموال غیر مادی اعم از مال فکری و غیر فکری حق مالکیت می‌باشد که امروزه در برخورداری انواع اموال از این حق تردیدی وجود ندارد؛ چرا که اگرچه در گذشته با توجه به تمرکز تحلیل‌ها و توجهات حقوقی بر روی اموال مادی و متمایل بودن عمده‌ی نگرش‌های حقوقی به جنبه‌ی خصوصی مالکیت، علمای حقوق معتقد بودند که حق مالکیت حقی مطلق، انحصاری و دائمی، است و اختیار بهره‌مندی از مال را به مالک آن به هر شکل و در هر محدوده‌ی گستره‌ای می‌دهد؛ اما همین حقوق دان‌ها پس از گذشت مدتی به امر خلاف این ویژگی‌ها پی بردند و این نظریه را نقض کردند؛ زیرا تصرف هر مالک در مال وی توسط قانون، مشخص و محدوده‌ی آن تبیین می‌گردد. از طرفی، تصرف دارنده‌ی یک مال نمی‌تواند به گونه‌ای باشد که به حقوق اشخاص ثالث لطمه وارد کند. همچنین در هر موردی که قانون، ممنوعیت استفاده‌ی مالک یا محدودیت تصرف وی در مالش را برای مصلحت و منفعت عموم جامعه تشخیص دهد، حق مالکیت خصوصی را ممنوع یا محدود می‌کند. لذا حق مالکیت به عنوان کامل‌ترین حق عینی سلطه‌ای قانونی است که دارنده‌ی آن می‌تواند در حدود قواعد حقوقی از این حق بهره‌مند گردد، در آن تصرف نماید، مال موضوع حق مالکیت خود را مورد

^۱ وکیل، همان، صص ۲۱ و ۴۲

معامله واقع کرده و واگذار کند یا به هر ترتیب دیگری که مصلحت بداند در محدوده‌ی قوانین از این حق بهره برداری نماید.^۱

از این رو با توجه به این که امتیاز ناشی از اموال فکری بالاترین درجه‌ی حق بوده و اختیار همه گونه استفاده و بهره برداری انحصاری را به دارنده‌ی آن در حدود قانون می‌دهد، همچنین حقی مستقیم و عینی بر مال فکری می‌باشد و از قابلیت استناد عمومی و قابلیت تعقیب و سایر خصوصیات حقوق عینی برخوردار است می‌توان گفت که این امتیاز و سلطه نسبت به مال فکری حق مالکیت می‌باشد و از قواعد عمومی مالکیت پیروی می‌کند.^۲ بر این اساس مال فکری در برخورداری از حق مالکیت و امتیازات نازل تر آن با تمام اموال مشابه و یکسان می‌باشد.

البته از آنجا که اموال فکری از فکر انسان سرچشمه گرفته‌اند و به شخصیت او مربوط می‌شوند، ماهیت خاص آنها حقوق و امتیازات معنوی را نیز علاوه بر امتیازهای مادی برای پدید آوردن‌گان این اموال ایجاب می‌کند؛^۳ اما برخی حقوق دانان با توجه به این تحلیل اشتباه که حقوق ناشی از مال فکری را با موضوع آنها یکی دانسته‌اند، حقوق معنوی ناشی از مال فکری و حقوق مادی ناشی از این اموال را دو جنبه از یک حق (مالکیت) می‌دانند؛^۴ در حالی که حق مالی و حق غیر مالی ناشی از مال فکری دو نوع امتیاز مجزا از حقوق و امتیازات تعلق گرفته به این اموال هستند و ماهیت و نوع سلطه‌ی این دو حق با هم متفاوت می‌باشد.^۵ در واقع، وجود این دو نوع امتیاز در کنار هم در ارتباط با یک مال نمی‌تواند به دلیل اعتباری بودن آن مال دو جنبه از یک حق شناخته شود؛ چرا که احکام و آثار حق مالی با حق غیر مالی تفاوت دارد و از طرفی ماهیت هر کدام از این دو از ماهیت موضوع آنها مجزا و مستقل می‌باشد.

^۱ بروجردی عبده، همان، صص ۱۳ و ۱۴، جعفرزاده، همان، صص ۳۱ و ۳۲، جعفری لنگرودی، همان، صص ۹۳، حکمت نیا، ۱۳۸۶، صص ۱۳۱ و ۱۳۲، ۱۴۱ تا ۱۴۶، داراب پور، همان، صص ۷۷ تا ۸۶، ۱۶۳، شکبیا، همان، صص ۳۴ و ۳۵، کاتوزیان، ۱۳۸۸، صص ۱۰۶ و ۱۰۷، ۱۱۱ و ۱۱۲، ۱۵۰، ۱۹۲

^۲ امامی، اسدالله، همان، صص ۴۳ تا ۴۶، حکمت نیا، ۱۳۸۸، صص ۱۲، داراب پور، همان، صص ۷۷ تا ۸۶، محمودی، همان، صص ۴، ۱۱، نوروزی، همان، صص ۴۲

^۳ داراب پور، همان، صص ۱۹، سالاری راد، صالحی، همان، صص ۹ و ۱۰، شکبیا، همان، صص ۱۰۴ و ۱۰۵
^۴ تقی زاده، هاشمی، همان، صص ۱۹۷، حضرتی شاهین دژ، همان، صص ۴، کاتوزیان، ۱۳۸۸، صص ۱۲ و ۱۳، ۲۴، کاتوزیان، ۱۳۹۱، صص ۳۱۰

^۵ جعفرزاده، همان، صص ۱۹، ۲۰، ۳۱، ۳۵، حنیفه اقبالی درخشان، همان، صص ۱۳، ستوده ی تهرانی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۲، کریمی، موسوی، همان، صص ۱۲، نوروزی، همان، صص ۴۲ و ۴۳

حقوق معنوی یا اخلاقی، امتیازاتی هستند که برای حفظ حرمت شخصیت پدید آورنده‌ی اثر فکری و خود اثر، تأمین نیازهای معنوی پدید آورنده، محبوبیت و شناخته شدن وی در جامعه و جلوگیری از تعدی به آفریده‌ی فکری وی به او تعلق می‌گیرند. این حقوق شامل: حق شناخته شدن اثر به نام پدید آورنده، حق حرمت اثر، حق عدول و حق نشر و ... می‌باشند که قائم به شخص پدید آورنده هستند و قابل انتقال به غیر نمی‌باشند چنان که بسیاری دیگر از حقوق غیر مالی تعلق گرفته به اشخاص نیز چنین هستند. این حقوق [همان گونه که در ماده‌ی ۴ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸، ماده‌ی ۴ آیین نامه اجرایی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزار مصوب سال ۱۳۸۳ و ماده‌ی ۱ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزار مصوب سال ۱۳۷۹ نیز بیان شده است]، دائمی (نا محدود از نظر زمانی و مکانی) بوده و برای همیشه متعلق به خود پدید آورنده هستند؛ به علاوه حقوق اخلاقی ناشی از مال فکری، چون قائم به شخص آفریننده‌ی اثر هستند به هیچ طریقی قابل واگذاری به دیگران نمی‌باشند و حتی پس از مرگ وی هم تنها به وسیله‌ی اقرباء او یا حکومت حمایت و حفاظت می‌شوند؛ لذا تنها خود پدید آورنده می‌تواند اثر خود را تغییر داده، آن را اصلاح نماید و یا آن را افشا کند.^۲

بر این اساس حقوق اخلاقی با حقوق مادی که به دارنده‌ی مال فکری تعلق می‌گیرد متفاوت می‌باشند. باید توجه داشت که از میان اموال تنها مال فکری به دلیل ارتباط مستقیمی که با شخصیت آفریننده‌ی آن دارد موجب ایجاد دوتنوع حقوق (مالی و غیرمالی) برای وی

^۱ ماده ی ۴ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ مقرر می دارد: حقوق معنوی پدید آورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است. ماده ی ۴ آیین نامه اجرایی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزار مصوب سال ۱۳۸۳، مقرر می دارد: (حقوق معنوی نرم‌افزار رایانه‌ای بدون اینکه منحصر به این تعبیر باشد عبارت است از حق انتساب نرم‌افزار به پدیدآورنده آن و محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال می‌باشد). ماده ی ۱ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزار مصوب سال ۱۳۷۹، چنین تفسیر می کند: (حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزار رایانه‌ای متعلق به پدیدآورنده آن است. نحوه تدوین و ارائه داده‌ها در محیط قابل پردازش رایانه‌ای نیز مشمول احکام نرم‌افزار خواهد بود. مدت حقوق مادی سی (۳۰) سال از تاریخ پدید آوردن نرم‌افزار و مدت حقوق معنوی نامحدود است.)

^۲ اعظمی، همان، صص ۷، ۶، تقی زاده، هاشمی، همان، صص ۳۹ و ۱۹۸، جعفرزاده، همان، صص ۲۱ و ۲۲، حبیبیا، سعید، شاکری، زهرا، ۱۳۹۰، صص ۱۲ و ۱۳، حضرتی شاهین دژ، همان، صص ۴، ۱۰ تا ۱۲، ۱۵، حکمت نیا، ۱۳۸۶، صص ۴۵ و ۴۶، حکمت نیا، موحدی ساوجی، همان، صص ۷ تا ۵، حنیفه اقبالی درخشان، همان، صص ۱۴، داراب پور، همان، صص ۱۶، ۱۷۲ و ۱۷۳، سالاری راد، صالحی، همان، صص ۹ و ۱۰، ستوده ی تهرانی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۲ و ۱۱۳، ۱۶۳، شکیبیا، همان، صص ۱۰۴ و ۱۰۵، صفایی، همان، صص ۲۶۶ و ۲۶۷، کاتوزیان، ۱۳۹۱، صص ۳۱۰، محمودی، همان، صص ۱۰، کریمی، موسوی، همان، صص ۱۲ و ۱۳، نوروزی، همان، صص ۵۰ تا ۶۰، وکیل، همان، صص ۴۲ و ۴۳

می‌گردد و بقیه‌ی اموال اعم از اموال مادی، سهام شرکتهای سهامی، حق سرقتی، حق کسب و پیشه و تجارت، نام تجاری، علامت تجاری و ... تنها موجب ایجاد حق مالی می‌شوند و رابطه‌ی آنها با شخصیت دارنده چندان نیست که حقوق اخلاقی را هم نسبت به آنها ایجاد کنند. [به گونه‌ای که حتی در علامت یا نام تجاری هم ممنوعیت استعمال علائم و اسامی مشابه با یک علامت و عنوان تجاری تنها به دلیل جلوگیری از تجاوز و سوء استفاده از مالکیت (حق مالی این اموال) بوده و هیچ ارتباطی با شخصیت دارنده‌ی علامت و نام تجاری ندارد. به علاوه ویژگی‌های حقوق اخلاقی مال فکری در این قواعد دیده نمی‌شود.] به عبارتی، تنها ماهیت خاص اموال فکری است که فرای حقوق مالی حقوق معنوی را هم ایجاد می‌کند و این امر یکی از جنبه‌هایی است که مال فکری را از دیگر اموال مجزا و متمایز می‌گرداند.

۳- خلاقیت و ابتکار:

همان گونه که بیان شد، از جمله عناصر مال فکری منشأ آن (فکر و اندیشه انسان) و میزان معینی از ابتکار و نوآوری در ایجاد آن می‌باشد که سبب وجود و مالیت آن می‌گردند؛ اما اغلب حقوق دانان بدون توجه به این عناصر گروهی از اموال از جمله: علامت تجاری، نام تجاری، علامت جمعی، علامت جغرافیایی و برخی اموال مرتبط با اموال فکری را در شمول اموال فکری قرار داده‌اند. از نظر این حقوق دان‌ها همه‌ی اموالی که از فکر بشر سرچشمه گرفته‌اند و همه‌ی خلاقیت‌های انسان از جمله: کتاب، اختراع، طرح صنعتی، علامت تجاری و نام‌های جغرافیایی و ... در شمول اموال فکری و حمایت از آنها قرار می‌گیرند؛^۱ در حالی که آنچه از تعریف به عمل آمده در ماده ۳۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ برمی‌آید و عناصری که در ماهیت و مالیت این دسته از اموال وجود دارند با عناصر و ماهیت مال فکری متفاوت می‌باشند.

ماده‌ی ۳۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶، نشان جمعی و علامت تجاری را نشان‌های قابل رؤیتی می‌داند که کالاها، خدمات و خصوصیات کالا و خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از کالا و خدمت سایر اشخاص متمایز می‌کنند و نام تجاری را اسم یا عنوانی می‌داند که معرف و مشخص‌کننده‌ی شخص حقیقی یا حقوقی می‌باشد.

^۱ اسدی، روح الله، محمدی، پژمان، ۱۳۹۱، ص ۷، امامی، اسدالله، همان، ص ۳۴، صفایی، همان، صص ۲۵۴ و ۲۵۵، نوروزی، همان، ص ۱۶۷

از نظر حقوق دان‌ها نیز علائم و نام‌های تجارتي، علائم خدماتي، علائم جمعي و نشانه‌های جغرافيايي علائم و عناويني هستند که برای تشخیص و تمیز کالاها، محصولات، خدمات و عوامل تجاری یک یا چند تاجر از محصولات، کالاها و خدمات سایر بازرگانان در همان محل و مکان‌ها و مناطق دیگر می‌گردند و نشانگر میزان مرغوبیت و کیفیت محصولات و خدمات دارندگان این علائم و نام و نشان‌ها می‌باشند.^۱

به طور مثال، علامت تجاری اسنوو معرف لوازم خانگی می‌باشد که تحت حمایت این علامت به بازار عرضه می‌شوند و بر اساس حک شدن علامت مخصوص اسنوو بر روی لوازم عرضه شده‌ی تحت حمایت این علامت میزان مرغوبیت و کیفیت لوازم مورد نظر از لوازم مشابه با علامت‌های تجاری دیگر مثل لوازمی که با علامت تجاری سامسونگ به بازار ارائه می‌گردند تشخیص و تفکیک گردیده و به وسیله اعتبار و شهرتی که هر کدام از این علائم در میان مردم کسب می‌کنند، میزان بها و ارزش آنها مشخص می‌شود.

از ماده‌ی ۳۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ و تعریف ارائه شده توسط حقوق دانان چنین استنباط می‌شود که ذات و ماهیت وجودی این علائم و نشانه‌ها و عناوین را میزان کیفیت و مرغوبیت یک کالا یا خدمت و محصول که به وسیله‌ی یک علامت و یا اسم و نشان خاص از سایر کالاها، محصولات و خدمات متمایز گشته‌اند تشکیل می‌دهند. اگرچه به دلیل اعتباری بودن این علائم و نشانه‌ها وجود قالبی ظاهری چون کلمه و عبارت، یک شکل دو یا سه بعدی خاص، نماد یک پرنده یا ساختمان یا مجسمه، اسم شهر و یا منطقه‌ی خاص و ... برای شناخت و تمیز آنها از سایر علائم ضروری می‌باشد. در واقع، این علائم و اسامی و عناوین وجه ممیزه‌ی کالاها، خدمات و محصولات و اعتبار دارندگان آنها می‌باشند که ماهیتشان را مرغوبیت و کیفیت عوامل متمایز شده صاحب علامت یا اسم و عنوان تشکیل می‌دهد.^۲ مالیت این اموال را نیز اعتبار و شهرتی که به تدریج

^۱ امامی، اسدالله، همان، صص ۱۰۱ تا ۱۰۵، ۱۸۰ تا ۱۹۲، امید فرد، همان، صص ۴ و ۵، امیری، همان، صص ۳، حسنی، حسن، همان، صص ۴۲۲ تا ۴۲۶، حیاتی، همان، صص ۱۳۵ تا ۱۳۷، رنجبر، همان، صص ۹، شکیبا، همان، صص ۱۰۹ و ۱۱۰، نوروزی، همان، صص ۱۶۷، ۲۰۷ تا ۱۱۲، وکیل، همان، صص ۴۹، Arvin S. Paranjpe, Travis G. Cook, Nicole D.W. Garrison, *, *, Marcia Cristiane Martins Ribeiro Leala, Milene Dantas op cit, p7, Adriana Brigante Deorsola *, *, Cavalcante a, Ingrid Jensen Schmidt a, Edimilson Junqueira Braga a,b, op cit, 3,4

^۲ امامی، اسدالله، همان، صص ۱۰۱ تا ۱۰۵، ۱۸۰ تا ۱۹۲، امید فرد، همان، صص ۴ و ۵، امیری، همان، صص ۳، حسنی، حسن، همان، صص ۴۲۲ تا ۴۲۶، حیاتی، همان، صص ۱۳۵ تا ۱۳۷، رنجبر، همان، صص ۹، شکیبا، همان، صص ۱۰۹ و ۱۱۰، نوروزی، همان، صص ۱۶۷، ۲۰۷ تا ۱۱۲، وکیل، همان، صص ۴۹

در میان مردم به دست آمده است تشکیل می‌دهد.^۱ در اموال فکری چنان که در مبحث قبل اشاره شد، ابراز آن در یک قالب ظاهری مانند یک کتاب، نمایش، فایل موسیقی، ابزار و وسایل زندگی، وسیله‌ی نقلیه و... ضروری و لازم می‌باشد؛ اما به خلاف علائم و نشانهای مذکور و همچنین سایر اموال غیر فکری، موضوع اموال فکری را میزان معینی از خلاقیت و نو آوری در یک زمینه‌ی علمی، ادبی، هنری، صنعتی و... تشکیل می‌دهد. و ابتکار موجود در ساختار این اموال از آغاز ایجاد موجب نفع عقلایی آنها می‌شود در واقع در اموال فکری مالیت به تدریج ایجاد نشده و به محض ایجاد مال فکری مالیت و ارزش عقلایی آن هم محقق می‌شود.

اگرچه مال فکری و سایر اموال غیرمادی در ویژگی نا محسوس و غیر ملموس بودن با هم یکسان بوده (و با اموال مادی که قابل حس با یکی از حواس ظاهری می‌باشند متفاوت هستند) و هر دوی آنها اعتباری می‌باشند،^۲ از طرفی، هر دوی این اموال برای شناخته شدن و پذیرش توسط اشخاص دیگر به ابراز شدن به وسیله‌ی یک قالب ظاهری به هر شکل و صورت نیاز دارند؛ اما همان گونه که گفته شد، آنچه ماهیت وجودی و مالیت اموال فکری را تشکیل می‌دهد، خلاقیت منسجم حاصل از اندیشه انسان می‌باشد؛ در حالی که نقش فکر و اندیشه در ایجاد علامت تجارتي، نام تجارتي، علامت جغرافیایی و... به طور مستقیم تنها به اندازه‌ی انتخاب و استعمال یک اسم و علامت می‌باشد^۳ و ماهیت این علائم کیفیت، مرغوبیت، نوع و جنس کالا و خدمت ارائه شده تحت این نشانه‌ها بوده و مالیتشان را اعتبار و شهرتی که در طول زمان کسب کرده‌اند تشکیل می‌دهد. بنابر این بدیهی است که ابتکار و خلاقیت منسجم و مستقلى که اموال فکری را تشکیل می‌دهند، ارکان انحصاری این دسته از اموال بوده و در هیچ کدام از انواع دیگر اموال وجود ندارند و از این حیث، مال فکری را از سایر اموال متمایز می‌کنند.

۴- محدودیت زمانی حمایت‌های قانونی:

از جنبه‌های اموال فکری که سبب بروز شبهه‌اتی در خصوص شمول حق امتیاز نسبت به این

^۱ امامی، اسدالله، همان، صص ۱۲۰ و ۱۲۱، حاتمی، علی، دمرچیلی، محمد و قرائی، محسن، ۱۳۸۰، صص ۸۱۴، ستوده ی تهرانی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۳۲ تا ۱۳۶، ۱۴۰ و ۱۴۱

^۲ اسدی، محمدی، همان، صص ۲ و ۵، اعظمی، همان، صص ۳ و ۴، امامی، حسن، همان، صص ۱۹، جعفری لنگرودی، همان، صص ۴۵، ۱۴۵ و ۱۴۶، حیاتی، همان، صص ۵۸، سروی، محمد باقر، ۱۳۹۱-۱۳۹۲، صص ۲، یوسف زاده، مرتضی، ۱۳۸۹، صص ۸۸

^۳ محمودی، همان، صص ۴

اموال در حق مالکیت هم گردیده است، محدودیت اعتبار حمایت از آنها می‌باشد. برخی از مواد قانونی که مؤید و نشان دهنده‌ی این محدودیت هستند در زیر به صورت اجمالی بیان می‌گردند:

مطابق ماده‌ی ۱۶ قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶، مدت اعتبار اختراع، ۲۰ سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه می‌باشد و در خصوص تمدید این مدت نیز تصریحی وجود ندارد. بند د ماده‌ی ۲۸ این قانون نیز مدت اعتبار طرح‌های صنعتی را ۵ سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه در نظر گرفته و تمدید این مدت را تنها برای دو دوره‌ی متوالی مجاز دانسته است. به موجب ماده‌ی ۵ قانون ثبت ارقام گیاهی مصوب سال ۱۳۸۲ «مدت حمایت، از رقم گیاهی ثبت شده، حد اکثر ۱۸ سال می‌باشد» و در خصوص تمدید این مدت قانون تصریحی ندارد. ماده‌ی ۱ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزار مصوب سال ۱۳۸۳ مدت حمایت از حقوق مادی نرم افزار را ۳۰ سال از تاریخ پدید آوردن آن در نظر گرفته است و بر اساس ماده‌ی ۱۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ «مدت استفاده از حقوق مادی پدید آورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدید آورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت. تبصره - مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون سی سال بعد از فوت آخرین پدید آورنده خواهد بود.»

البته طبق ماده واحده‌ای که در سال ۱۳۸۹ در جهت اصلاح این ماده وضع گردیده است: «مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده پنجاه سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد.» تبصره این ماده واحده نیز بیان می‌کند: « مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده (۶) این قانون پنجاه سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود.»

طبق ماده‌ی ۱۶ این قانون نیز در خصوص اثرهای سینمایی یا عکاسی و در مواردی که اثر متعلق به شخص حقوقی باشد یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد، حقوق مادی پدید آورنده از تاریخ نشر یا عرضه به مدت سی سال مورد حمایت این قانون خواهد بود و

به موجب ماده‌ی ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات مصوب سال ۱۳۵۲: «مدت حمایت از حقوق مادی موضوع این قانون ۳۰ سال از تاریخ مرگ پدید آورنده می‌باشد.» همان گونه که از مفاد مواد مذکور بر می‌آید، اموال فکری اصولاً دارای حمایت محدود می‌باشند. به عبارتی در اغلب کشورهای جهان حمایت از حقوق مادی مربوط به این اموال به صورت موقت و برای مدت چندین ساله‌ای (اغلب، ۱۵ تا ۲۰ سال و در برخی موارد ۳۰ تا ۵۰ سال پس از فوت پدید آورنده) به عمل می‌آید.^۱

در توجیه این محدودیت زمانی برای حمایت از حقوق مادی مال فکری گفته‌اند که این امر به علت نقش بسیار زیاد منفعت عمومی در حمایت قانون از این اموال می‌باشد. در واقع اموال فکری به دلیل اینکه از لحاظ ارزش و اهمیت رابطه‌ی مستقیم با استقبال و رغبت جامعه دارند و از طرفی خلاقیت تشکیل دهنده‌ی آنها بسیار به سود جامعه بوده و موجب پیشرفت و ارتقای آن می‌گردد، پس از مدتی که مالک از حقوق مربوط به مال خود استفاده و نفع برد و از طرف دیگر از تازگی و ارزش آن خلاقیت و نوآوری کاسته شد قانون، نفع عمومی را بر حق خصوصی مربوط به این اموال ترجیح داده و حق مالکیت خصوصی را نسبت به این اموال سلب می‌نماید.^۲ نکته‌ای که در تأیید این نظر می‌تواند اهمیت داشته باشد، موقت نبودن حمایت از حقوق مادی مربوط به دارو می‌باشد... با توجه به مواد ۲۷ و ۲۸ آیین نامه ساخت و ورود دارو مصوب سال ۱۳۶۸ می‌توان دریافت علی‌رغم این که دارو از اقسام مال فکری می‌باشد، اصولاً حمایت قانون از حقوق مادی آن به صورت دائم می‌باشد. (به گونه‌ای که مدت حمایت از آن ۴ سال تعیین شده و برای دوره‌های متوالی قابل تمدید است). به نظر می‌رسد که علت این امر ماهیت ویژه‌ی دارو و موقعیت و وضعیت خاص خلاقیت‌های تشکیل دهنده‌ی آن که با گذشت زمان هم اغلب محرمانه بودن و تازگی آنها حفظ می‌شود، به خلاف سایر اموال فکری قانون مصلحت دانسته است که حمایت از این نوع مال فکری برای سال‌های متوالی تمدید و حفظ گردد؛ اگرچه، در مورد برخی از داروها نیز که مانند سایر اموال فکری جنبه‌ی ویژه و محرمانه بودن و تازگی آنها کم رنگ شده و استعمال و کاربرد آنها در جامعه معمول گشت، مدت معین قانونی

^۱ اسدی، محمدی، همان، ص ۶، تقی زاده، هاشمی، همان، ص ۴۰، حبیبی، حسین زاده، همان، ص ۹، حکمت نیا، ۱۳۸۶، صص ۴۵ و ۴۶، داراب پور، همان، صص ۱۶ و ۱۷، ۱۹، ۸۳ تا ۸۶، ۱۷۰ تا ۱۷۲، سالاری راد، صالحی، همان، صص ۹ و ۱۰، صفایی، همان، ص ۱۶۳، کریمی، موسوی، همان، صص ۱۲ و ۱۳، محمودی، همان، ص ۸، نوروزی، همان، صص ۴۳، ۴۹، ۱۷۴، ۱۸۹، ^۲ استوده ی تهرانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳، صفایی، همان، صص ۱۶۳ و ۱۶۴، نوروزی، همان، ص ۵۰

حمایت از حقوق مادی مربوط به آنها تمدید نشده و مجوز ساخت و بهره‌برداری از آنها به همه‌ی تولید کنندگان دارو داده می‌شود.^۱

اموال فکری در داشتن ویژگی محدودیت حمایت قانونی از حقوق مادی مربوط به آنها با همه‌ی اموال متفاوت و از آنها متمایز می‌باشند. به خلاف این خصیصه در اموال فکری و هدف وجود آن، در سایر اموال جنبه‌ی خصوصی حمایت قانونی غلبه دارد و به همین دلیل هم «مدت حمایت از آنها زمان معینی ندارد و در اصطلاح حق مالکیت نسبت به آنها دائمی می‌باشد.»^۲ به عبارتی در سایر اموال خلاقیت و نوآوری وجود ندارد که کم از ارزش و تازگی آن کاسته شود و نفع عمومی سلب حقوق مربوط به آنها را ایجاد کند. وجود این اموال و حقوق ناشی از آنها هم اغلب در راستای تأمین نیازهای خصوصی اشخاص صورت می‌گیرد و ارتباط چندانی با انتفاع عمومی ندارد.

حتی در اموال غیر مادی غیر فکری مانند علامت خدماتی و علامت تجارتي و جمعی هم به نظر می‌رسد که تأمین اهداف حقوق خصوصی اشخاص در ایجاد حقوق مربوط به آنها غلبه داشته باشد. به همین دلیل هم چنان که در بند د- ماده‌ی ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ ذکر شده است، حمایت قانونی از این دسته از اموال به مدت زمان معینی محدود نیست و اگرچه برای این حمایت مدت تعیین شده است، مدت ذکر شده برای دوره‌های متوالی و نامحدودی قابل تمدید و حفظ می‌باشد و این تعیین مدت در مواردی وجود دارد که علامت یا عنوان مورد نظر به ثبت رسیده باشد،^۳ زیرا در این اموال هم عوامل خاص مال فکری وجود نداشته و حمایت از اعتبار و حقوق شخصی دارندگان آنها غلبه داشته و مد نظر است.

اگرچه برخی مالکیت منفعت را نیز به طور کلی موقت دانسته‌اند و معتقداند که دائمی بودن مالکیت تنها مخصوص عین خارجی می‌باشد.^۴ اما در مالکیت منفعت تنها در صورتی که این حق به وسیله‌ی عقد اجاره تحقق یافته باشد به طور استثنا مدت آن باید موقت و معین باشد و

^۱ ماده‌ی ۲۸ آیین نامه ساخت و ورود دارو مصوب سال ۱۳۶۸ چنین مقرر می‌دارد: «در مواردی که صدور پروانه‌ی ساخت داروی خاص، به طور دائم لازم و ضروری تشخیص داده نشود، بر اساس تصمیم کمیسیون ورود و ساخت دارو مجوزهای مقطعی برای ساخت آن داروی خاص به واحدهای تولیدکننده‌ی دارو داده می‌شود.»

^۲ امامی، حسن، همان، ص ۴۳

^۳ امامی، اسدالله، همان، صص ۱۲۲ و ۱۲۳

^۴ داراب پور، همان، صص ۱۷۰ تا ۱۷۲، شکیب، همان، ص ۶۱، کاتوزیان، ۱۳۸۸، صص ۱۰۸ و ۱۰۹، ۱۹۲

این امر به دلیل مشخص بودن میزان انتفاع و استفاده از مال مورد اجاره می‌باشد که البته تأمین این هدف منحصر به تعیین مدت نیست و از طرق دیگری چون: تعیین مسافت، تعیین کاری که باید انجام شود و... نیز ممکن می‌باشد.^۱ لذا نباید چنین مورد استثنایی را به تمام موارد مالکیت منفعت تسری داد. بنابر این محدودیت زمانی اعتبار حقوق مادی (خصوصی) تنها ویژه‌ی مال فکری و به طور استثنایی مالکیت منفعت در برخی از انواع عقد اجاره بوده و در هیچ یک از انواع دیگر اموال جاری نمی‌باشند.

تمام اموال فکری پس از انقضای مدت حمایت قانون از حقوق مادی ناشی از آنها در قلمرو اموال عمومی قرار می‌گیرند (مالکیت خصوصی نسبت به آنها سلب می‌گردد) و همه‌ی اشخاص می‌توانند از این اموال بهره برداری و کسب انتفاع نمایند. لذا پس از سپری شدن این مدت هیچ کس نسبت به اموال فکری حق تملک و بهره‌مندی انحصاری را نخواهد داشت؛^۲ زیرا از ویژگی‌های اموال عمومی نداشتن مالک خصوصی و اداره توسط دولت، عدم قابلیت تملک و استفاده‌ی انحصاری از آنها می‌باشد.^۳

نکته‌ی قابل توجه این است که در خصوص علائم تجارتي، علائم جمعی و جغرافیایی اگر مدت معین قانونی برای حمایت از حقوق ناشی از آنها منقضی گردیده و سپس تمدید نشود، بر اساس این که ماده‌ی ۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ تمدید مدت حمایت را در اختیار و خواست مالک این اموال قرار داده است، به نظر می‌رسد که اگر مالک در خصوص تمدید مدت حمایت اقدام نکند گویی از حقوق خود که مورد حمایت قانون هستند صرف نظر کرده است و از مالکیت خود اعراض نموده است. بر این اساس به نظر می‌رسد که در چنین حالتی اشخاص دیگر با توجه به این که قانون در این زمینه ساکت می‌باشد، هدف عمده‌ی حمایت از این اموال که حفظ مالکیت خصوصی است و جنبه‌ی عمومی حمایت از آنها که به خلاف اموال فکری غالب نیست، همچنین اراده‌ی مالک خصوصی که مبنی بر اعراض از مالکیت است بتوانند چنین اموالی را تملک، ثبت و از آنها استفاده نمایند.

^۱ بنایی اسکویی، مجید، ۱۳۸۴، ص ۶۵، سعیدی نیا، خدابخش، ۱۳۸۶، ص ۲۰ و ۳

^۲ جعفرزاده، همان، ص ۳۲، صفایی، همان، ص ۲۶۴، نوروزی، همان، ص ۵۰، ۱۸۹

^۳ امامی، حسن، همان، ص ۳۵ تا ۳۷، بروجردی عبده، همان، ص ۱۲، تقی زاده، هاشمی، همان، ص ۸۵ تا ۹۱، حیاتی، همان، ص ۱۰۲ تا ۱۰۴، داراب پور، همان، ص ۵۲ تا ۵۶، ۱۷۰، سروی، همان، ص ۴ و ۵، سلطانیان، صحبت الله، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶ تا ۱۵۹، شکیبا، همان، ص ۳۵ تا ۳۷، صفایی، همان، ص ۱۵۹ تا ۱۶۲، کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۴۱، کاتوزیان،

۱۳۸۸، ص ۶۹ و ۷۰

این امر با احکام اموال مباح که اگرچه مالک خاص ندارند، تملک و استفاده و حیاضت آنها امکان پذیر می‌باشد^۱ شباهت دارد و با وضعیت اموال فکری پس از انقضای مدت حمایت از آنها که جزء اموال عمومی می‌شوند متفاوت و متمایز می‌باشد؛

در خصوص نام‌های تجاری با توجه به مفاد ماده‌ی ۴۷ این قانون که آنها را بدون ثبت هم معتبر و مورد حمایت قانون می‌داند، به نظر می‌رسد علی‌رغم مدت ۵ ساله‌ای که ماده‌ی ۵۸۰ قانون تجارت برای حمایت از آنها تعیین کرده است، حکم مزبور در خصوص این نام‌ها جاری نباشد، زیرا طبق حکم ماده‌ی ۴۷ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ که آخرین اراده‌ی قانون‌گذار در این زمینه است و عدم تعیین مدت حمایت در خصوص آنها در این قانون باید این نام‌ها به محض ایجاد و استعمال توسط یک شخص مال وی شناخته شوند و چه در صورت ثبت و چه در صورت عدم ثبت آنها مورد حمایت قرار گیرند و از تعرض و سوء استفاده‌ی دیگران مصون باشند. بر همین اساس نمی‌توان آنها را در زمره‌ی احکام علائم تجاری یا اموال فکری قرار داد و این نام‌های تجاری به نظر می‌رسد که در خصوص دائمی بودن مالکیت اصولاً با اموالی که حمایت از آنها دائمی است یکسان باشند.

در خصوص منفعت نیز چنان که گفته شد، هدف از تعیین مدت تعیین حدود استفاده از عین مستأجره بوده و با هدف تعیین مدت در اموال فکری متفاوت می‌باشد. علاوه بر تفاوت هدف، در تعیین مدت مالکیت در منفعت و اجاره‌ی آن با اموال فکری، در عقد اجاره اصولاً پس از انقضای مدت اجاره مالکیت به مالک قبلی منفعت بر می‌گردد در صورتی که در مال فکری پس از انقضای مدت حمایت چنین حالتی به وجود نمی‌آید و مال فکری مورد حمایت در شمول اموال عمومی در می‌آید. در واقع ماهیت تعیین مدت در این دو مورد کاملاً با هم متفاوت می‌باشد. در اجاره پس از انقضای مدت تنها مالکیت نسبت به یک یا چند شخص معین که به وسیله‌ی عقد اجاره ایجاد شده است همراه با سبب ایجاد آن به طور تبعی از بین می‌رود، در حالی که در اموال فکری پس از انقضای مدت، حمایت قانون از مالکیت خصوصی نسبت به این اموال به طور کلی از بین می‌رود و این حق دیگر به هیچ شخص خاصی تعلق نخواهد داشت.

^۱ امامی، اسدالله، همان، ص ۱۲۲، امامی، حسن، همان، ص ۳۷، بروجردی عبده، همان، ص ۱۲، تقی زاده، هاشمی، همان، صص ۹۵ تا ۹۷، ۱۹۹، حبیبیا، حسین زاده، همان، صص ۱۲ و ۱۳، حیاتی، همان، صص ۱۰۸ تا ۱۱۲، سروی، همان، ص ۵، سلطانیان، همان، صص ۱۶۳ و ۱۶۴، صفایی، همان، صص ۱۶۲ تا ۱۶۵، کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۷۴، کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۴۲

لذا مال فکری در ماهیت و هدف تعیین مدت مالکیت و وضعیت مالکیت پس از اتمام اجاره با منفعت و اجاره‌ی آن متفاوت بوده و همچنین در وضعیت حقوقی خود پس از انقضای مدت حمایت با اغلب اموال غیر مادی غیر فکری متفاوت می‌باشد.

۵- عدم محدودیت مکانی و زمانی:

یکی از خصیصه‌های اموال فکری که با بسیاری از اموال تفاوت دارد، نامحدود بودن این اموال است که از اعتباری بودنشان سرچشمه می‌گیرد.^۱ به عبارتی اموال فکری به دلیل اینکه غیر مادی هستند و فاقد ابعاد فیزیکی می‌باشند نمی‌توان آنها را محدود به یک زمان یا مکان واحد دانست؛ چرا که یک مال فکری مانند یک کتاب یا یک اختراع ممکن است در یک زمان واحد معین در چندین نقطه از جهان مورد استفاده و داد و ستد قرار گیرد.^۲

محدود بودن حمایت قانونی از اموال فکری در گستره‌ی قلمرو داخلی کشورها و متفاوت بودن شرایط و ضوابط مندرج در این قواعد حقوقی^۳ با طبیعت و ماهیت اموال فکری متناقض به نظر می‌رسد؛ چرا که در خصوص یک مال مادی محدود بودن آن اموال به زمان و مکان واحد سبب می‌شود که حقوق دارنده‌ی آنها معمولاً به طور کامل توسط قواعد حقوقی کشور محل وقوع اموال مورد نظر حفظ و اعمال گردد؛ اما در مورد اموال فکری ویژگی خاص آنها با محدودیت قوانین داخلی کشورها (در گستره‌ی قلمرو کشور محل وضع قانون مربوطه) تناسب و هماهنگی ندارد.

به همین دلیل در قرن‌های اخیر در سطح جهان کوشش شده است در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قواعد هماهنگ و همسانی در باب مالکیت فکری وضع گردد؛^۴ چرا که تناقض مذکور سبب سوء استفاده‌های کلان و اغلب جبران ناپذیر به اموال فکری و دارندگان اصلی آنها در کشورهایی که از این اموال حمایت به عمل نیامده گردیده است؛ به گونه‌ای که امروزه در اوج

^۱ پیلوار، همان، صص ۱۹، ۲۱

^۲ امامی، اسدالله، همان، صص ۲۸۶، پیلوار، همان، صص ۱۹، جعفرزاده، همان، صص ۱۸، ستوده ی تهرانی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۳ و ۱۱۴، نوروزی، همان، صص ۴۱، Marcia Cristiane Martins Ribeiro Leala, Milene Dantas Cavalcante a, Ingrid Jensen Schmidt a, Edimilson Junqueira Braga a,b, op cit, p3,4

^۳ امامی، اسدالله، همان، صص ۲۱۵، حبیبی، حسین زاده، همان، صص ۹، داراب پور، همان، صص ۱۶ و ۱۷، ستوده ی تهرانی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۳ و ۱۱۴، کاتوزیان، ۱۳۹۱، صص ۳۱۰، محمودی، همان، صص ۸.

^۴ ستوده ی تهرانی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۴، Marcia Cristiane Martins Ribeiro Leala, Milene Dantas Cavalcante a, Ingrid Jensen Schmidt a, Edimilson Junqueira Braga a,b, op cit, p3, 4, 7, 11, 12, 14, 15

ارتباطات و سهولت تعامل انسان‌ها و عوامل اعتباری، یک مال فکری ممکن است به صورت غیر مجاز و بدون رضایت و اجازه‌ی دارنده‌ی اصلی آن در سراسر نقاط دنیا پخش و استفاده گشته یا به نام مالک یا مالکین دیگری در مناطق دیگر به ثبت برسد که این امر در رابطه با اموال فکری بسیار نا مطلوب و صدمه زننده است.

به طور مثال، ممکن است اختراعی که توسط یک شخص در یک کشور معین به وجود آمده و به ثبت رسیده است بدون اجازه‌ی مخترع به وسیله‌ی شخص دیگر در کشور دیگری به ثبت رسیده و از آن بهره برداری شود، فرآورده‌های ناشی از آن به بازار عرضه گردند و حقوق مادی و معنوی که در حقیقت متعلق به مالک اصلی اختراع مورد نظر هستند به صورت غیر منصفانه به شخص یا اشخاص دیگر تعلق گیرند و از چنین اعمال غیر عادلانه‌ای در کشوری که از مالک اصلی اختراع مورد نظر حمایت به عمل نیامده است حمایت قانونی صورت گیرد. از طرفی حقوق معنوی اختراع مورد نظر نیز در این کشور به شخص غیر از مالک که صلاحیت دارا شدن چنین حقوقی را ندارد تعلق گرفته، برای وی در میان مردم شهرت و محبوبیت ایجاد شود و مزایای معنوی دیگری از این طریق شامل حال وی گردد که این امر منجر به لطمه‌های اقتصادی فراوان و لطمه به حقوق معنوی مستحق اصلی این حقوق مادی و معنوی می‌شود.

همچنین در خصوص یک نرم افزار مثل نرم افزار ویندوز که متعلق به شرکت مایکروسافت می‌باشد، زمانی که یک نسخه‌ی جدید آن توسط این شرکت به بازار عرضه می‌شود، اشخاص زیادی در بسیاری از کشورها بدون وجود حمایت قانونی از این نرم افزار بدون اینکه بخواهند حقوق مادی این شرکت را که مربوط به بهای خرید این نرم افزار و استفاده از آن می‌باشد بپردازند آن را تهیه کرده و به راحتی مورد استفاده قرار می‌دهند. چنین اعمالی خلاف حقوق پدیدآورندگان این نرم افزار بوده و منجر به زیان اقتصادی بسیار زیادی به آنها می‌گردد.

بر این اساس همان گونه که گفته شد، با توجه به ماهیت خاص این اموال باید سعی شود در تمام کشورها در خصوص آنها قوانین هماهنگی وضع گردیده و دایره‌ی حمایت‌های حقوقی از آنها به تمام سطح جهان گسترش یابد؛ چرا که به خلاف اموالی که محدود به ابعاد فیزیکی هستند، در این اموال حمایت‌های حقوقی در سطح قلمرو یک یا چند کشور معین نمی‌تواند تأمین کننده‌ی حمایت کامل و عادلانه از دارندگان اصلی این اموال باشد.

اموال فکری از نظر نامحدود بودن به یک مکان و زمان واحد با اغلب اموال غیر مادی از جمله: علامت تجاری، علامت خدماتی، نام تجاری و علائم جمعی و جغرافیایی تشابه دارند. فقدان ابعاد فیزیکی در اموال مزبور هم سبب می‌شود در مناطق و کشورهایی که از آنها حمایت

صورت نگرفته است نسبت به حقوق ناشی از آنها تعرض و تجاوز و سوء استفاده صورت گیرد و به لطمه‌ی فراوان به اعتبار و حقوق دارندگان اصلی این اموال منجر گردد.

به طور مثال ممکن است در خصوص یک برند مثل دی‌اند جی، (d & g) در کشورهایی که این نشانه‌ی تجارتي مورد حمایت قانونی نیست اشخاصی به راحتی و بدون محدودیت و ممنوعیت قانونی در کارخانه خود البسه، کیف و کفش‌هایی را تولید کرده، مارک تقلبی دی‌اند جی را بر روی لوازم مورد نظر قرار دهد و در حالی که از مالک اصلی این علامت کسب اجازه نکرده است لوازم تولید کارخانه‌ی خود را با علامت مورد نظر به بازار عرضه نماید. در چنین حالتی اشخاص زیادی به دلیل اعتبار علامت دی‌اند جی، وسایل دارای مارک غیر اصل را خریداری می‌کنند. از طرفی در اغلب موارد کیفیت و میزان مرغوبیت لوازم غیر اصل، متفاوت و پایین‌تر از وسایل دارای علامت اصلی می‌باشد. از این رو با انجام اعمال مزبور و نبود حمایت‌های قانونی لازم هم به حقوق مادی دارندگان اصلی علامت دی‌اند جی و هم به اعتبار این علامت لطمه‌ی بسیار زیادی وارد می‌شود.

به این صورت ملاحظه می‌شود که در بسیاری از اموال غیر مادی غیر فکری هم مانند اموال فکری به دلیل عدم محدودیت آنها به زمان و مکان واحد حمایت‌های حقوقی متفاوت از اموال مادی و در گستره‌های متفاوت با محدوده‌ی حمایت از این اموال لازم و ضروری می‌باشد. علی‌رغم نکات منفی که اصولاً در نتیجه‌ی نبود قواعد حقوقی هماهنگ در سطح دنیا در خصوص اموال غیر مادی خصوصاً اموال فکری رخ می‌دهند، نامحدود بودن این اموال سبب تمایز در استفاده‌های گوناگون از آنها شده است.

ممکن است نسبت به یک مال دو یا چند شخص مالکیت مشاع داشته باشند، به گونه‌ای که در جزء جزء مال مورد نظر شریک بوده و در تمام آن حق استفاده و تصرف تامیزان سهم خود را داشته باشند که به چنین حقی حق مشاع گفته می‌شود.^۱ همان گونه که در بسیاری از اموال مادی استفاده و مالکیت مشاع امکان‌پذیر می‌باشد،^۲ در خصوص اموال فکری نیز در قواعد حقوقی کشور ما از جمله: در ماده‌ی ۶ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸، ماده‌ی ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزار مصوب سال

^۱ تقی‌زاده، هاشمی، همان، ص ۵۷، جعفری لنگرودی، همان، صص ۵۹ و ۶۰، حیاتی، همان، صص ۶۰، ۱۸۴، شکیبا، همان، ص

۵۳

^۲ تقی‌زاده، هاشمی، همان، ص ۵۷، جعفری لنگرودی، همان، صص ۵۹ و ۶۰، حیاتی، همان، صص ۶۰، ۱۸۴، شکیبا، همان،

ص ۵۳

۱۳۸۳ و بند ب- ماده ۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ این نوع از حق پذیرفته و تبیین شده است

حق مشاع، حقی اعتباری می‌باشد و تصرفات حقوقی در آن با توجه به مواد ۳۰ و ۵۸۳ قانون مدنی بدون اجازه‌ی شریک دیگر مجاز می‌باشد و دارنده‌ی حق مالکیت مشاع یا درجه‌ی نازل تر این حق در حق متعلق به خود مستقل از شریک دیگر است؛ لذا می‌تواند حق خود را به هر شخصی که بخواهد منتقل کند یا اذن استفاده از سهم خود از مال مشاع مورد نظر را به هر شخص یا اشخاصی که مایل باشد واگذار نماید.

علی‌رغم تصرفات حقوقی، در تصرفاتی که از عین مال و منافع آن صورت می‌گیرد در حالتی که یک مال مشاع باشد به اذن سایر شرکا نیز نیاز است؛ چرا که در مال مشاع سهم هر شریک در جزء جزء مال مورد نظر قرار داشته و نمی‌توان گفت بخش مجزایی از آن مال متعلق به یک شریک و بخش دیگر آن متعلق به شریک دیگر می‌باشد. به عبارتی تصرف هر شریک در کل مال مشاع تصرف در سهم سایر شرکا هم می‌باشد و برای چنین اقدامی به اجازه‌ی آنها نیاز است. در واقع اگر مالی را بتوان به بخش‌های مشخص و مجزا از هم تفکیک نمود به نظر می‌رسد که دیگر عبارت مشاع بر آن صدق نخواهد کرد.

اگرچه اموال فکری در ماهیت، نا محسوس بوده، محدود به زمان و مکان واحد نیستند و دو یا چند شخص که سهمی از حقوق مربوط به این اموال را دارند می‌توانند هم زمان تمام (کل) مال فکری مورد نظر را در اختیار داشته باشند و در اموال مادی چنین امکانی مگر با توافق طرفین نمی‌تواند محقق گردد؛ اما به نظر می‌رسد که در هر دو دسته از این اموال احکام شرکت مالکیت مشاع یکسان باشد؛ چرا که در یک مال فکری در صورتی که یک شریک در تمام مال مشاع موضوع حق خود تصرف بنماید، به سهم شریک دیگر از آن مال تجاوز نموده است.

به عبارتی همان گونه که در یک مال مادی مشاع مثل یک اتومبیل که مالکیت آن مشاع است، سهم شرکا از اتومبیل مورد نظر قابل تفکیک نبوده و سهم هر یک در تمام آن اتومبیل قرار دارد، در مال فکری مشاع مانند یک اختراع مشاع هم سهم هر کدام از شرکا در تمام اختراع مورد نظر قرار دارد و نمی‌توان سهم هر کدام را از دیگری تفکیک نمود.

بنا بر این همان گونه که در مواد ۵۸۱ و ۵۸۲ قانون مدنی به طور اطلاق در خصوص تصرفات مادی در مال مشاع بیان شده است، فارغ از مادی یا غیر مادی بودن مال مورد نظر تصرفات هر شریک بدون اذن و اجازه‌ی شریک وی در سهم او ورود به حقوق وی بوده و موجب مسؤولیت می‌باشد. از طرفی استفاده‌ی هر شریک از سهم خود هم به تصرف در تمام مال مورد

نظر نیاز دارد. بر این اساس به خلاف تصرفات حقوقی، تصرفات مادی (در اختیار داشتن خود مال و منفعت آن) از یک مال مشاع به اذن همه‌ی شرکا نیاز دارد؛ چرا که سهم شرکا در جزء جزء مال مورد نظر وجود دارد. لذا می‌توان گفت اموال فکری در استفاده‌های مشاع با سایر اموالی که حقوق مربوط به آنها مشاع است یکسان می‌باشند.

به خلاف استفاده‌های مشاع که به نظر می‌رسد در تمام انواع اموال تحت شرایط و ضوابط یکسانی انجام می‌پذیرد، اموال فکری و اغلب اموال غیر مادی از جمله: علامت تجاری، خدماتی، علامت جمعی و نام‌های تجاری و ... نسبت به اموال مادی دارای این مزیت می‌باشند که می‌توان به طور هم زمان از آنها به صورت مفروز استفاده نمود یا حتی نسبت به آنها در زمان واحد حق مالکیت مفروز برای چندین شخص ایجاد نمود.

به طور مثال، مالک اصلی یک مال فکری از قبیل: اختراع و طرح صنعتی یا مال غیر فکری غیرمادی (مثل علامت یا نام تجاری) می‌تواند در چندین کشور مختلف، حق بهره برداری از مال خود را به چندین شخص به صورت مجزا واگذار نماید و هر کدام از آنها به طور مستقل دارای حقی باشند که دیگری از آن حق برخوردار است. به همین شکل واگذاری حق مالکیت نیز به اشخاص مختلف و در مناطق متعدد امکان پذیر می‌باشد. همچنین در یک کشور واحد نیز مالک می‌تواند درجات نازل تر حقوق (مالکیت منفعت، حق انتفاع و اذن استفاده از اموال غیر مادی فکری و غیر فکری) خود نسبت به اموال مزبور را به دیگران در زمان واحد و به صورت مجزا (حق مستقل از دیگری) انتقال دهد.^۱

قواعد حقوقی ایران نیز چنین مزیتی را برای مصادیق مختلف مال فکری پذیرفته‌اند. از جمله این قواعد ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ می‌باشد که به طور مطلق استفاده اشخاص غیر از مالک اختراع را با موافقت وی مجاز دانسته است و انواع بهره‌برداری از قبیل عرضه، فروش، انتفاع و ... از خود اختراع و محصولات ناشی از آن را توسط اشخاص متعدد مورد پذیرش قرار داده است. ماده ۲۸ این قانون هم در خصوص طرح‌های صنعتی امکان بهره‌برداری‌های مختلف از قبیل ساخت، فروش و واردات محصولات ناشی از طرح‌های صنعتی توسط اشخاص متعدد غیر از مالک با اجازه‌ی وی را بیان می‌کند.

^۱ عبارت مفروز، به معنای این است که یک شخص واحد، مالک تمام مالی باشد یا از تمام آن مال، به تنهایی و به طور مستقل، استفاده نماید. تقی زاده، هاشمی، همان، ص ۵۷، جعفری لنگرودی، همان، صص ۵۹ و ۶۰، حیاتی، همان، ص ۶۰، شکیبا، همان، ص ۵۳

انحاء استفاده و بهره مندی از حقوق مادی مذکور در این مواد که با توجه به اطلاق مواد مذکور و طبع خاص اموال فکری (فقدان ابعاد فیزیکی) می‌توانند در زمان واحد، به اشخاص متعددی به صورت مفروز تعلق گیرند، نشان گر این است که مالک می‌تواند حقوق مادی خود را به طور کلی یا جزئی در یک زمان واحد یا زمان‌های مختلف به یک یا چند شخص به صورت جدا از هم و مستقل واگذار نماید.

بند الف- مادهی ۴۰ این قانون نیز در خصوص نام‌ها و علائم تجارتي و خدماتی و جمعی و جغرافیایی مقرر می‌دارد: «استفاده از هر علامت که در ایران ثبت شده باشد توسط هر شخص غیر از مالک علامت، مشروط به موافقت مالک آن می‌باشد.»

تبصره‌ی ماده‌ی ۵ قانون ثبت ارقام گیاهی مصوب سال ۱۳۸۲، در بیان این ویژگی برای ارقام گیاهی مقرر می‌دارد: «نژادگرانی که رقمی را به ثبت می‌رسانند می‌توانند امتیاز انحصاری بهره برداری اقتصادی خود را به اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر واگذار نمایند.» اطلاق عبارت امکان واگذاری حق بهره برداری به اشخاص حقوقی و حقیقی می‌تواند بیان گر این امر باشد که امکان استفاده‌ی مفروز چندین شخص به طور هم زمان یا غیر هم زمان از حقوق ناشی از رقم گیاهی (به عنوان یک مال فکری) وجود دارد.

ماده‌ی ۹ آیین نامه اجرایی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزار مصوب سال ۱۳۸۳ در این باب تصریح می‌دارد: «استفاده از تمام یا قسمتی از حقوق مادی موضوع قانون برای مدت ۳۰ سال یا کمتر با قید شرط یا بدون شرط به اشخاص دیگر قابل نقل و انتقال می‌باشد.» در این ماده نیز به نظر می‌رسد که به مالک نرم افزار، اختیار وسیعی در اعطای حقوق مادی خود در هر درجه و محدوده‌ای به اشخاص متعدد در زمان واحد یا زمان‌های مختلف تعلق گرفته است.

ماده‌ی ۵ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ نیز امکان واگذاری کلیه حقوق مادی اثر فکری مورد حمایت قانون مذکور از جمله نمایش تصویری و صحنه‌ای، ضبط و پخش تصویری و صوتی اثر، ترجمه، نشر، به کارگیری اثر در کارهای علمی و تبلیغاتی و ...، استفاده از اثر در فراهم کردن اثری دیگر و سایر بهره برداری‌ها را توسط پدیدآورنده به سایر اشخاص به طور مطلق بیان نموده است. امکان استفاده‌ی هم زمان و بهره مندی اشخاص متعدد به صورت مفروز در زمان واحد از تمام موارد مذکور با توجه به ماهیت این اموال و اطلاق اختیار اعطای حقوق مادی نسبت به آنها که در این ماده بیان شده‌اند نشان دهنده‌ی ویژگی مورد نظر می‌باشد.

در نتیجه، با توجه به مستندات بیان شده و استدلال‌های ارائه شده، وجود چنین خصیصه‌ای در مال فکری و اغلب اموال غیرمادی غیرفکری، در صورت وجود زمینه‌ها و قواعد لازمه برای حمایت از آنها مزیتی بسیار مهم و با ارزش می‌باشد که می‌تواند منجر به منافع اقتصادی و مالی کلانی برای دارندگان آنها و بسیاری از جوامع در سطح دنیا گردد.

نتیجه:

در نتیجه بحث و بررسی‌های به عمل آمده در تحقیق حاضر می‌توان چنین گفت که اموال فکری پدیده‌های نو، خلاق و منسجم حاصل از اندیشه‌ی انسان هستند که توسط یک یا چند فرد به وجود آمده و ابراز می‌گردند. از آنجا که اموال فکری وجود مستقل دارند و ذات آنها پس از ایجاد به موضوع دیگری وابسته نیست همچنین ایجاد و زوالشان با بنای عقلا و خلاقیت به وجود آورنده‌ی آنها تشخیص داده می‌شود، با حقوق مالی که وجودشان وابسته به موضوع دیگر می‌باشد و استقلال ذاتی ندارند همچنین ایجاد، مالیت و زوالشان به خواست جامعه و قانون بستگی دارد متفاوت هستند و از طرفی به دلیل اینکه بلافاصله پس از ایجاد مالیت پیدا می‌کنند و ایجاد آنها به صورت منسجم و یکجا تحقق می‌یابد متمایز از منفعت می‌باشند چراکه منفعت فایده‌ای تدریج الحسول از شخص یا چیزی می‌باشد که وجود آن وابسته به موضوع دیگر بوده، ایجاد و مالیت آن تدریجی است و ماهیت آن تنها بهره‌گیری از نیروی فکر و اندیشه است که متفاوت از خلاقیت منسجم و مستقل موجود در اموال فکری می‌باشد. همچنین وجود اعتباری و غیر فیزیکی اموال فکری آنها را از اعیان خارجی که وجود مادی دارند متمایز می‌کند اما با در نظر گرفتن معنای عام کلمه‌ی عین که اصل هر چیزی را شامل می‌شود باید گفت که اموال فکری هم به دلیل اینکه اصل آنها دارای موجودیت و موضوعیت می‌باشد در زمره‌ی این معنا از عین قرار می‌گیرند و ماهیتشان عین می‌باشد.

خلاقیت و ابتکار منسجم و با میزان معین که ماهیت، موضوع و مالیت این دسته از اموال را تشکیل می‌دهد، سبب تمایز آنها از سایر اموال گردیده است و بر همین اساس علاوه بر اموال مادی که فاقد این خصوصیات می‌باشند، نام‌های تجارتي، علائم تجاری و عناوین خدماتی و تجارتي و جغرافیایی را که ماهیتشان تمایز کالاها و محصولات تحت حمایت خود از سایر کالاها و محصولات بوده، موضوعشان مرغوبیت و میزان کیفیت کالاها و خدمات تحت حمایت خود است و مالیت آنها را میزان اعتبار آنها در جامعه و میزان استقبال افراد از آنها تشکیل میدهد، نمی‌توان در زمره‌ی اموال فکری قرار داد. اگرچه حقوق مادی که به اموال فکری تعلق می‌گیرند

اصولا با حقوق مادی متعلق به سایر اموال یکسان می‌باشند اما نوع دیگری از حقوق به نام حقوق معنوی و اخلاقی نیز به دلیل ماهیت خاص این اموال برای حمایت از شخصیت و اعتبار پدیدآورنده مال فکری و خود این اموال به آنها تعلق می‌گیرند که عاملی دیگر برای تمیز اموال فکری از سایر اموال می‌باشند و در هیچ کدام از انواع دیگر اموال وجود ندارند.

علاوه بر موارد مذکور معیار مهمی که اموال فکری را از همه‌ی انواع اموال متمایز می‌نماید محدودیت زمانی حمایت قانون از این اموال می‌باشد که به دلیل حمایت از نفع اجتماعی و بر اساس طبع اموال فکری که اصولا در مدت محدودی میل و رغبت عمومی نسبت به آن وجود دارد تحقق یافته و از دارنده‌ی این اموال تنها در طول چندین سال حمایت به عمل می‌آید. لذا اگرچه در ظاهر در بهره مندی از علائم و نام‌های تجارتي، منفعت و برخی دیگر از اموال محدودیت زمانی حمایت قانونی وجود دارد اما هدف، نحوه و ماهیت این محدودیت‌ها با محدوده‌ی زمانی حمایت از اموال فکری متفاوت بوده و این دو کاملا از هم مجزا و متمایز می‌باشند.

ویژگی دیگری که مال فکری را از اموال مادی و دارای ابعاد فیزیکی متمایز می‌کند محدود بودن این اموال به مکان و زمان معین می‌باشد که منجر به تفاوت یک مال فکری در نحوه‌ی استفاده و بهره مندی با اموال مادی شده و بر مبنای آن می‌توان در زمان واحد در مکان‌های مختلف و توسط اشخاص متعدد به صورت جداگانه و مستقل استفاده‌های مفروز نمود. اموال فکری در داشتن این خصیصه با اغلب اموال معنوی از قبیل علائم تجاری، نام‌های تجاری و خدماتی و اسم‌های جمعی و جغرافیایی یکسان می‌باشند. البته فقدان ابعاد فیزیکی در اموال فکری و معنوی با محدودیت سرزمینی حمایت قانون از آنها مغایر می‌باشد و چنین خصیصه‌ای حمایت‌های گسترده تری را مطابق و هماهنگ با طبع اموال فکری می‌طلبد و در این زمینه به حمایت‌هایی در سطح جهانی نیاز است. از این رو باید کوشش شود تا با توجه به عناصر و خصایصی که اموال فکری را از سایر اموال متمایز می‌کنند و ماهیت ویژه‌ی این اموال در خصوص آنها قواعد مناسب وضع گردد و حمایت‌های لازم به عمل آیند تا بتوان گام مؤثری در خصوص حمایت از این دسته از اموال و حقوق مرتبط با آنها برداشت.

فهرست منابع:

کتاب:

- ۱- امامی، اسد الله، حقوق مالکیت صنعتی، میزان، تهران، ۱۳۹۰

- ۲- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد اول، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۶۶
- ۳- بروجردی عبده، محمد، حقوق مدنی، کتاب فروشی محمد علی علمی، ۱۳۲۹
- ۴- بهرامی، زهرا، حق سرقفلی، حق کسب و پیشه و تجارت، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه
بینة، ۱۳۸۶، چاپ چهارم
- ۵- تقی زاده، ابراهیم، هاشمی، احمدعلی، حقوق اموال و مالکیت، مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۳
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۸۸
- ۷- حاتمی، علی، دمرچیلی، محمد و قرائی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، خلیج
فارس، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ۸- حسینی، حسن، حقوق تجارت، میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۵
- ۹- حکمت نیا، محمود، مابنی مالکیت فکری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶
- ۱۰- حیاتی، علی عباس، حقوق مدنی ۲، اموال و مالکیت، میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۹
- ۱۱- داراب پور، مهرباب، حقوق مدنی ۲، جنگل جاودان، چاپ اول، ۱۳۹۱
- ۱۲- رنجبر صحرايي، مسعود رضا، حقوق مدنی، جلد اول، ره آورد هنر، ۱۳۸۸
- ۱۳- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد اول، دادگستر، چاپ دهم، ۱۳۸۴
- ۱۴- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۶
- ۱۵- سروی، محمد باقر، حقوق مدنی کاربردی، فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۹۱-۱۳۹۲
- ۱۶- سلطانیان، صحبت الله، حقوق مدنی، اموال و مالکیت، جاودانه جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ۱۷- شکیبا، منصور، حقوق مدنی ۲ اموال و مالکیت، مهزبار، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ۱۸- صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، بنیاد حقوقی میزان، چاپ هجدهم، ۱۳۹۱
- ۱۹- عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد اول، جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم، ۱۳۶۹
- ۲۰- قاجار قیونلو، سیامک، مقدمه حقوق سایبر، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱
- ۲۱- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت، بنیاد حقوقی میزان، چاپ بیست و
هفتم، ۱۳۸۸
- ۲۲- کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی عقود معین، شرکت سهامی انتشار، چاپ یازدهم، ۱۳۹۱
- ۲۳- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۷
- ۲۴- کشاورز، بهمن، سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت در حقوق ایران و فقه اسلام، کشاورز،
۱۳۸۲
- ۲۵- نوروزی، علی رضا، حقوق مالکیت فکری، حق مؤلف و مالکیت صنعتی، چاپار، چاپ اول، ۱۳۸۱
- ۲۶- وکیل، امیرساعتد، حمایت از حقوق مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران، مجد،
چاپ اول، ۱۳۸۳
- ۲۷- یوسف زاده، مرتضی، حقوق مدنی ۱ و ۲، اشخاص، اموال و مالکیت، ---، چاپ اول، ۱۳۸۹

مقالات:

- ۱- اسدی، روح الله، محمدی، پژمان، ماهیت انتقال مالکیت اموال غیرمادی غیرفکری، دانش و پژوهش حقوقی، ۱۳۹۱
- ۲- اسماعیلی، محسن، آثار مورد حمایت و شرایط آن در حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹
- ۳- اعظمی، رستم، بیع اموال غیر مادی، دانشور فقه و حقوق، ۱۳۸۸
- ۴- امیدوی فرد، عبد الله، حقوق فکری از منظر فقه، مقالات و بررسی ها، ۱۳۸۴
- ۵- امیری، حسین علی، پیش درآمدی بر حقوق مالکیت معنوی، مقالات حقوقی، ۱۳۸۸
- ۶- انصاری، علی، ذو الفقاری، سهیل، توثیق اموال غیر مادی در حقوق ایران، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۱
- ۷- بنایی اسکویی، مجید، مفهوم و اوصاف اجاره و مطالعه‌ی تطبیقی، دانش پژوهان، ۱۳۸۴
- ۸- حبیبیا، سعید، حسین زاده، مجید، بررسی فرایند تحصیل ملکیت اموال فکری، حقوق: مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳۹۳
- ۹- حبیبیا، سعید، شاکری، زهرا، انتقال قهری اموال فکری، حقوق تطبیقی، ۱۳۹۰
- ۱۰- حضرتی شاهین دژ، صمد، خصوصیات حق معنوی مؤلف در حقوق ایران، اسلام و کنوانسیون‌های بین المللی، نشریه داخلی قوه قضائیه، ۱۳۹۰
- ۱۱- حکمت نیا، محمود، بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری، اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۸
- ۱۲- حکمت نیا، محمود، موحدی ساوجی، محمد، جایگاه مبانی نظری در فهم و ترسیم نظام مالکیت فکری، فقه و حقوق، ۱۳۸۵
- ۱۳- حنیفه اقبالی درخشان، محمد، مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق موضوعه، حقوق: کانون، ۱۳۸۵
- ۱۴- سالاری راد، معصومه، صالحی، جواد، کپی رایت و مؤلفه‌های آن جلوه‌ای از مالکیت فکری، معرفت حقوق، ۱۳۹۰
- ۱۵- سعیدی نیا، خدابخش، ماهیت و شرایط عقد اجاره و تطبیق آن با انتقال اموال فکری، نشریه داخلی قوه قضائیه، ۱۳۸۶
- ۱۶- فرهنگ فارسی معین، www.vajehyab.com, ۱۳۹۵/۳/۲
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، نقدی تحلیلی بر قانون موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۷۶، کانون آذربایجان، ۱۳۸۹
- ۱۸- کریمی، عباس، معین اسلام، محمد، رهن اموال فکری، حقوق: دانشگاه حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۷

- ۱۹- کریمی، عباس، موسوی، اسماء، بیع اموال فکری از منظر حقوق اسلامی، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۳۹۰
- ۲۰- کریمی نیا، محمد مهدی، حقوق، حق و اقسام حق، معرفت، ۱۳۸۹
- ۲۱- محمودی، اصغر، ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آنها در حقوق اموال، دانش حقوق مدنی، ۱۳۹۱
- ۲۲- نعمت اللهی، اسماعیل، تحلیل فقهی حق عینی و حق دینی و مفاهیم مرتبط، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۸۹

قوانین و مقررات:

- ۱- آیین نامه‌ی اجرایی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزار مصوب ۱۳۸۳
- ۲- آیین نامه‌ی ساخت و ورود دارو مصوب ۱۳۶۸
- ۳- کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی مصوب ۱۹۶۷ میلادی و اصلاحات آن تا ۱۹۷۹ میلادی
- ۴- کنوانسیون پاریس در زمینه‌ی مالکیت‌های صنعتی و تجارتي مصوب ۱۸۸۳ میلادی و اصلاحات آن تا ۱۹۷۹ میلادی
- ۵- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶
- ۶- قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بزر و نهال مصوب ۱۳۸۲
- ۷- قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹
- ۸- قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸
- ۹- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲
- ۱۰- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱
- ۱۱- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
- ۱۲- ماده واحده اصلاح ماده‌ی ۱۲ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۸۹

منابع انگلیسی

- 1- Adriana Brigante Deorsola *, *, Marcia Cristiane Martins Ribeiro Leala, Milene Dantas Cavalcante a, Ingrid Jensen Schmidt a, Edimilson Junqueira Braga a,b, Intellectual property and trademark legal framework in BRICS countries: A comparative study, INPI – Brazilian National Institute of Industrial Property, Mayrink Veiga 9, Rio de Janeiro, RJ, CEP 20090-910, Brazil Academy of Intellectual Property, Innovation and Development, INPI, 2017
- 2- Arvin S. Paranjpe, Travis G. Cook and Nicole D.W. Garrison, A Short Introduction to Intellectual Property Rights, Trina Voss from Technology

Transfer and Business Development, Oregon Health & Science University,
2017



فصلنامه تخصصیاتیات حقوق خصوصی و کفبری
شماره ۱۹۱، پاییز ۱۳۹۱
۷۸۶۸۱